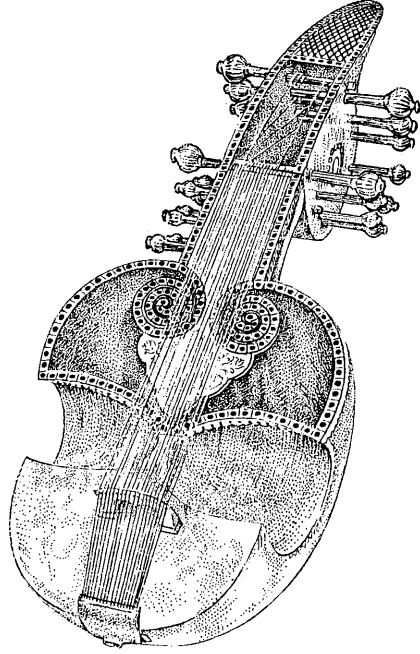




س

ساحلی، ضیاء [Zyâ Sâheli]: از شعرای معاصر ایران و همدوره با زنده یاد فریدون مشیری، بیژن ترقی و دکتر حسین قلی کاتبی.

ضیاء ساحلی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در خیابان ایران (عین الدوله) تهران بدنیا آمد. او سی و یکسال در وزارت نیرو به کار اشتغال داشت و در سال ۱۳۶۰ باز نشسته شد. ضیاء ساحلی از ۱۲ سالگی به شعر گفتن پرداخت و در همان سن با موسیقی سنتی آشنا شد.

سادات شکرابی، علی [Ali Sâdât Šokrâby]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران

سادگی، اسفندیار [Esfandyâr Sâdegi]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران

ساربانان [Sârbânân]: از اهالی ایل قشقائی که آهنگهای قدیمی ایل را با نی می نوازند. این افراد با زبان کوروشی که زبان غیر ترکی قشقائی و شبیه به پهلوی است می خوانند. ساربانان نمایانگر اصیل ترین شکل فرهنگ قشقائی میباشند.

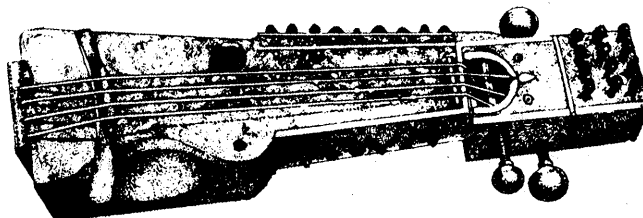
ساربانک [Sârbânak]: گوشه ای است در دستگاه چهارگاه

ساربانک



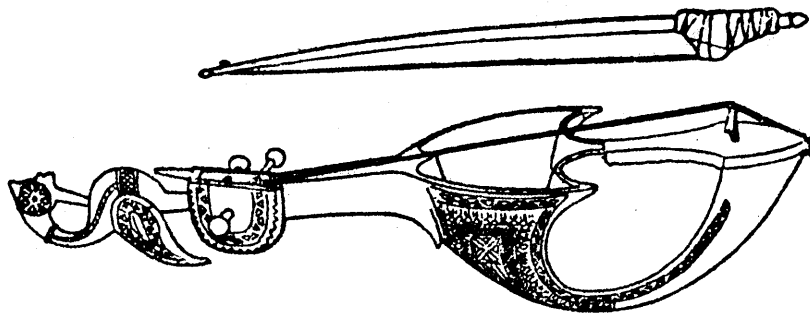
سارنای [Sârnây]: سازی است بادی از رده ارغنون یا نای انبان. این ساز در قدیم دَبوقه نامیده میشده است.

سارنج [Sâranj]: نام دیگر ابوعطا، آوازی است از درجه دوم دستگاه شور. هم چنین، سارنج، سازی است زهی چوبی که در کشور هند معمول است.



سارنج، غلامرضا [Golámrezá Sáranj]: از هنرمندان مشهور موسیقی در اصفهان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۰ خورشیدی. لطفاً به سارنگ، غلامرضا نگاه کنید.

سارنده [Sárande]: سازی است رشته ای مقید که با آرشه یا کمانه نواخته میشود. این ساز در خانواده رباب و قیچک طبقه بندی میشود. سارنده در سیستان و بلوچستان متداول است و دارای سه سیم است که اولی و دومی آن معادل نت do زیر حامل با کلید سُـل و سومی معادل نت sol با کلید سُـل کوک میشود.

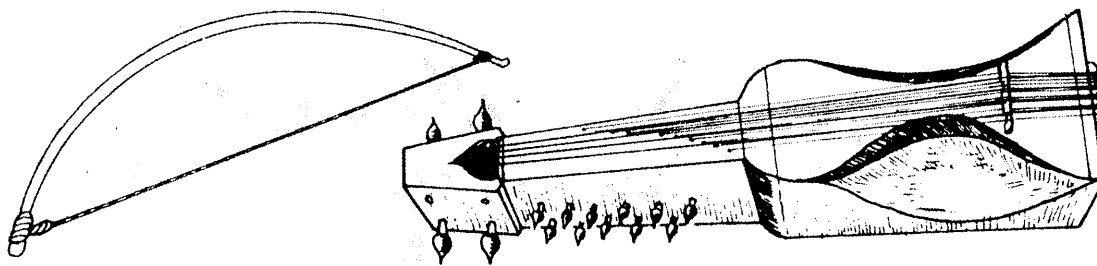


سارنگ [Sárang]: آوازی است از درجه دوم دستگاه شور که نام دیگرش ابوعطا است.

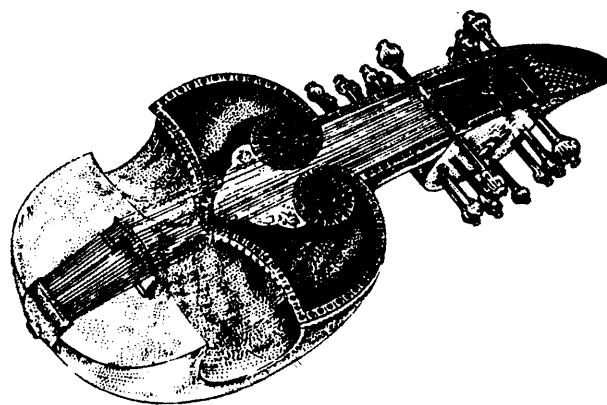
سارنگ، سید احمد [Seyyed Ahmad Sárang]: از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با طاهرزاده، حبیب اصفهانی، و رضا قلی خان و سید حسین غراب.

سارنگ، غلامرضا [Golámrezá Sárang]: نوازنده چیره دست کمانچه و از همکاران نزدیک استاد تاج اصفهانی و همدوره با اکبرخان نوروزی و شعبان خان شهناز، پدر استاد جلیل شهناز که تار می نواختند. غلامرضا سارنگ را برخی از کتب موسیقی، غلامرضا سارنج معرفی کرده اند.

سارنگی [Sáringi]: سازی است رشته ای که با آرشه نواخته میشود. ساختمان این ساز تشکیل شده از یک جعبه طنینی دوزنقه شکل به طول ۶۹ سانتی متر که بخش محفظه صوتی آن که نیمی از ساز را تشکیل میدهد، از بخش دسته بزرگتر است. سارنگی دارای چهار سیم اصلی و ده تا دوازده سیم فرعی است. گوشه های چهار سیم اصلی در دو طرف بالای دسته و گوشه های سیم های فرعی در بدنه راست دسته ساز کار گذاشته شده اند. این ساز در بلوچستان رایج است.



سارنیدا [Sárnidâ]: از انواع کامل رباب با کاسه ای بیضی شکل که قسمت بالای آن باز بوده و دو سیم از جنس روده بر آن کشیده اند.



سارو [Sáro]: سارو آهنگساز برجسته در زمینه موسیقی فولکلوریک ایران است. او در شهرستان ساری دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل موسیقی پرداخت. در ۷ سالگی در خانه جوانان ساری به نواختن سازهای ضربی و کوبه ای پرداخت. او در نوازندگی گیتار و پیانو نیز از تبحر خاصی برخوردار است. تحصیلات موسیقی در رشته آهنگسازی را در اروپا به اتمام رسانید و اولین کار او «ستاره سپید» نام داشت. قصه نی و غوغای ستارگان از کارهای ارزنده این هنرمند در زمینه موسیقی فولکلوریک ایران است.

سارو [Sáru]: خواننده خوش صدا ساکن کالیفرنیا که از او کارهای زیبایی در دسترس میباشد. آلبوم قصه عشق او از طرف شرکت ترانه تولید و پخش شده است.

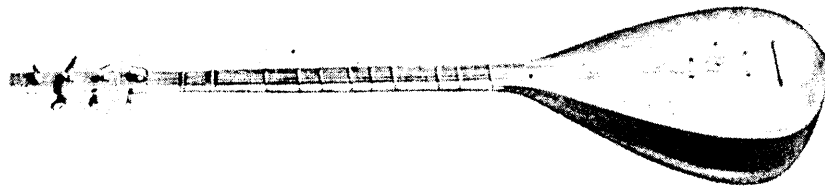
سارو خوانی [Sáru xâni]: دستگاه موسیقی. سارو خوانی، دستگاهی از موسیقی اهل حق است که ظاهراً در منطقه صحنه شناخته شده است و در آن هیچ ذکری وجود ندارد.

سارود [Sárud]: سازی است شبیه به تنبور. تنبور یا عود بدون پرده و دسته بلند را گویند.

ساروسوفون [Sárusfon]: سازی است بادی که دارای دو زیانه است این ساز در رده ابوا طبقه بندی میشود. صدای این ساز، خشن است.

ساریخانی [Sárixáni]: آوازی است در موسیقی لرستان با متر آزاد که هم در قالب مویه در مراسم سوگ اجرا میشود و هم به همراه کمانچه خارج از مجلس سوگ. ساریخانی را تنها مردان می خوانند و خواندن آن همواره بصورت انفرادی است. ساریخانی در لرستان، بویژه در خرم آباد بسیار متداول است.

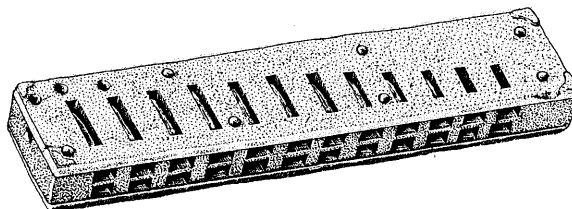
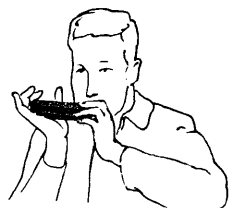
ساز [Sáz]: کلیه آلاتی را که در موسیقی نوازند، ساز گویند. در ضمن ساز، به آلاتی در موسیقی اطلاق میشود که رشته ای مقید بوده و در رده تنبور قرار دارد. به ساز، عود دسته بلند یا بَغلاما (Baglama) نیز میگویند. این واژه در آذربایجان به ساز چگور هم اطلاق میشود.



ساز یا سازینک [Sázenk]: یکی از سه شیوه اجرای شتر در بلوچستان است. در این شیوه، موسیقی ریتمیک است و در آن از یک سرود «قیچک» و دو تمبورک استفاده می شود. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به شتر نگاه کنید.

ساز دولاب [Sáze Duláb]: سازی است قدیمی و رشته ای مطلق که از دلو آب تشکیل یافته است. ساختمان این ساز تشکیل یافته از یک دلو آب با عمق کم که بر دهانه آن پوست کشیده اند. روی پوست تعدادی تار یا نخ ابریشمی یا زه استوار کرده اند که از روی دو خرک کناری می گذرند. تیغه ای در کنار دلو چنان کار گذاشته اند که نوک آن مماس با تارهاست. دلو دارای دسته ای است و وقتی دسته را می چرخانند، دلو چرخیده و تارهای ساز به تیغه می خورد و منطقاً با کوک رشته ها، از آن صدا در می آید.

ساز دهنی [Sāze Dahani]: ساز دهنی یا هارمونیکا از یک جعبه کوچک مکعب مستطیل که در یک سطح و در دو ردیف آن سوراخهای چهارگوشی که پشت هر کدام از آنها یک زیانه قرار دارد، تشکیل یافته است. دو ردیف سوراخ موجود در بالا و پائین این ساز یکی برای دمیدن و دیگری برای کشیدن هوا است. این زیانه ها هر دو، غالباً همصدا هستند.



سازش [Sāzes]: اصطلاحی در علم هماهنگی. سازش واژه انتخابی ایرانی است که به جای آکورد استفاده میشود.

سازش انواع متعددی دارد از آن جمله: سازش پنجم افزوده نظیر سازش: دو، می و شل دیز. سازش پنجم کاسته نظیر: سازش سی، ر و فا. سازش شش نظیر سازش: می، شل و دو. سازش ششم افزوده، سازش کامل بزرگ، سازش کامل کوچک، سازش مبدل، سازش مستقیم، سازش معکوس، سازش نهم نمایان، سازش چهارگانه سه صدائی، سازش های نامطبوع، سازش هفتم نمایان و سازش هفتم نمایان بی پایه.

ساز فولاد [Sāze Fulād]: سازی است که از تعدادی تیغه های فلزی که بر نواری استوار شده است ساخته شده است و تیغه ها با حرکت دست نوازنده و یا ضربه زدن به اهتزاز درآمده و صوت ایجاد می کنند. این ساز در کامرون؛ سانزا نامیده میشود. اگر این ساز ۲۴ تیغه داشته باشد، وسعت صدای آن دو اکتاوا است.

ساز کرماتیک [Sāze Kromátik]: سازهای موسیقی که کلیه اصوات سیزده گانه موسیقی (هفت صوت اصلی و شش صوت غرعی) در یک اکتاورا با فواصل نیمه پرده ای اجرا کنند.

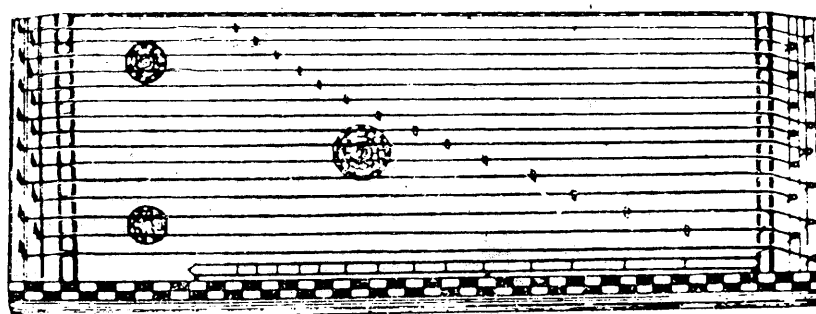
سازگری [Sāzgari]: نام پرده و لحنی در موسیقی قدیم ایران مرکب از عراق و صفاهان.

سازمان صدا [Sāzemān Sedā]: تشکیلات کوچکی در امر تولید نوار و CD که انحصاراً در خدمت تولیدی بنام «صدای شهر» از مرتضی میرآفتابی قرار دارد و هرچند گاه کاستی از خوانندگان ساکن لس آنجلس را تهیه و پخش می کند.

سازمان مرکزی پرورش افکار [Sâzemân Markazi Parvareše Afkâr]: وابسته به رادیو ایران در سال ۱۳۱۸ خورشیدی که کمیسیون موسیقی وابسته به آن بود.

ساز مرصع غایی [Sâze Morasaw Gâyebi]: سازی است رشته ای مطلق و قدیمی.

ساز مستطیل [Sâze Mostatil]: سازی است رشته ای مطلق از رده سنتور که قطر جعبه طنینی آن ۴ تا ۵ سانتی متر است. بر روی پوشش رویی جعبه سه سوراخ مشبک قرار دارد که به آنها شمسیه میگویند. این ساز ۱۵ سیم دارد. وسعت صدای این ساز دو اکتاو است.



ساز نوروز یا ناز نوروز [Sâze Nowruz]: از الحان سی گانه بارید.

ساز و سخن [Sâz-o-Soxan]: برنامه ای در خصوص هنرمندان موسیقی که به همت استاد روح اله خالقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی از رادیو ایران پخش میشد.

سازهای ایدیوفون [Sâzhâye Idiyofon]: آلاتی از موسیقی که خود به خود قابلیت خلق صوت را داشته و جزو خطوط اصلی سیستماتیک در تقسیم بندی هورن بوستل و زاکس قرار دارند. ایدیوفون در سال ۱۹۱۴ میلادی توسط اریش موریتس فون، هورن بوستل و کورت زاکس جایگزین اوتوفون گردید.

سازهای کوردوفون [Sâzhâye Kordofon]: به سازهای زهی اطلاق میشوند.

ساسان [Sâsân]: خواننده سالهای پیش از انقلاب که خوانندگی را در کودکی آغاز کرد. از این هنرمند در آن زمان فیلم بابا نان داد با شرکت رضا بیک ایمانوردی و با شرکت او، وجود دارد.

ساسان، اصغر [Asqar Sásan]: آهنگساز قدیمی که همکاری نزدیکی با خواننده سالهای دور منوچهر همایون پور داشت. از آهنگهای بیاد ماندنی اصغر ساسان میتوان به سپند و آذر با شعری از معینی کرمانشاهی اشاره داشت. اصغر ساسان، تبحر خاصی در نواختن ویلن داشت. او از شاگردان ممتاز لطف الله مفخم پایان و همدوره با حبیب الله بدیعی و محمود تاج بخش بود.

ساسا [Sásá]: نوازنده چیره دست تار در ارکستر قفقازی و از همکاران مسیوهایک استاد کمانچه در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۱ خورشیدی.

ساسا [Sásá]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او آلبوم شبونه، شامل ۶ ترانه: باورکن، چشمهای بی خواب، سفر کرده، آرزو، بهارگل و شبونه در دسترس میباشد.

ساعت ساز، سید حسین [Seyyed Hoseyn Sâwatsâz]: از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با حبیب شاطر حاجی، ناصر سیف، طاهرزاده و سید رحیم. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به خضوعی، حسین نگاه کنید.

ساعده [Sâed]: در متون قدیمی موسیقی به دسته ساز در سازهای نظیر: عود اطلاق میشده است.

ساعده، بهرام [Bahrâm Sâwed]: نوازنده چیره دست تار و تارپاس در گروه موسیقی عارف. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به عارف، گروه موسیقی نگاه کنید.

ساعی [Sâwi]: مرکز اطلاعات هنری که در خیابان منصور تهران قرار دارد.

ساعی، محسن [Mohsen Sâwi]: نوازنده تار و مدیر مدرسه پروین اعتصامی دهکرد، در شهرگرد در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۰ خورشیدی.

ساغری زاده، علی [Ali Sâqeri-zâde]: موسیقیدان سرشناس اصفهان که گوشه بهبهانی در مایه شوشتری منسوب به اوست. علی ساغری زاده، در نواختن تار از تبحر بسیاری برخوردار است. او در اداره فرهنگ و هنر اصفهان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی به کار اشتغال داشت.

ساغری، سیروس [Sirus Sâqeri]: سیروس ساغری که نام اصلی او حسین ساغری زاده است در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. سیروس، فرزند هنرمند گرانقدر علی ساغری زاده می باشد. او تحت نظر پدر نواختن سنتور را آغاز کرد. سیروس ساغری در ۱۲ سالگی جزو شاگردان استاد ابوالحسن صبا بود. او از ۱۳۴۰، رسماً به رادیو اصفهان دعوت شد و به استخدام آن مؤسسه درآمد. همکاران نزدیک سیروس ساغری در آن سالها عبارت بودند از: استاد جلیل شهناز، استاد حسن کسائی، استاد جهان بخش پازوکی و ناهید دائی جواد. سیروس ساغری، صنعتگر معروفی است که در ساختن سنتور از توان بالائی برخوردار است.

ساقه مضراب [Sâqe Mezrâb]: به قسمت بین سر و حلقه مضراب سنتور اطلاق میشود.

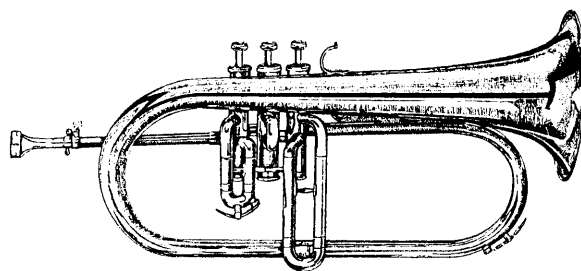
ساقی نامه [Sâqi-nâme]: شکلی است از موسیقی که با وزن اشعار ساقی نامه خوانده و نواخته میشود، و از درآمد شروع شده و در گوشه های اصلی مقام گردش می کند و دارای ریتم دو چهارم سنگین میباشد. ساقی نامه، در دستگاه ماهر آمده و بعضی ها آنرا، صوفی نامه اصفهان نیز گویند.

ساقی نامه



ساکت، کیوان [Keyvân Sâket]: نوازنده چیره دست تار و همدوره با استاد جلال ذوالفنون، مهدی ستایشگر، اکبر شکارچی، داود گنجه ای و ارشد طهماسبی.

ساکس هورن [Sâks Horn]: سازی است بادی، مسی و پیستون دار که در سال ۱۸۴۵ میلادی توسط آدلف ساکس اختراع شده است. این ساز جایگزین بوگل ها در ارکستر سنفونیک گردید. ساکس هورن، نظیر ساکسیفون از هفت نوع ساز تشکیل شده است: کوچک، سپرانو، آلتو، تنور، باس (این نوع، بمباردون نیز نام دارد) و کنترباس.



ساکسیفون [Såksifon]: سازی است بادی که سابقاً از جنس چوب و امروزه از فلز مس یا برنج می‌باشد. مخترع این ساز؛ آدولف ساکس، از اهالی بلژیک است (۱۸۴۰ میلادی) ساختمان این ساز از یک لوله مخروطی که سر آن برگشته و روی بدنه آن سوراخهایی تعبیه شده است، تشکیل یافته است. ساکسیفون صدای بسیار زیبا و پُرطنین دارد.

خانواده ساکسیفون از هفت نوع ساز تشکیل میشود:

۱- ساکسیفون کوچک سپرانیو می بُمل .

۲- ساکسیفون سپرانو، سی بُمل

۳- کنترآلتو «می بُمل»

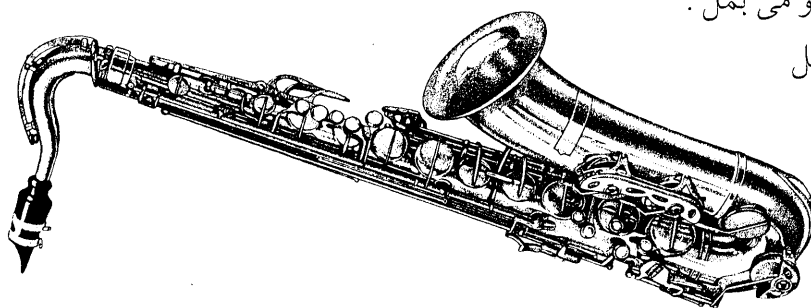
۴- تنور «سی بُمل»

۵- باریتون «می بُمل»

۶- باس «سی بُمل»

۷- کنترباس «می بُمل»

وسعت صدای این ساز ۳ اکتاواست.



ساکو [Såku]: خواننده ساکن لس آنجلس که به بازخوانی آهنگ و ترانه دیگر خوانندگان می‌پردازد.

سالار [Sålår]: خواننده جوان و خوش صدا ساکن لس آنجلس که از سوی اسفندیار منفردزاده معرفی شده است.

سالار معزز (غلامرضا خان) [Sålår Mowazez]: زنده یاد غلامرضا خان میر پنج (سالارمعزز) یکی از رجال برجسته و دارای نبوغ موسیقی عجیبی بود که در سال ۱۲۴۰ خورشیدی بدنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در دارالفنون به پایان رساند و سپس در رشته موسیقی آن مدرسه که زیر نظر مسیو لومر مستشار فرانسوی قرار داشت، داخل گردید و به اخذ گواهینامه نائل آمد و برای تکمیل دانش

موسیقی و تحصیلات عالی در این رشته به اروپا رفت و پس از گذراندن دوره عالی به ایران مراجعت و به ریاست موزیک نظام برگزیده شد. سالار معزز، پس از تأسیس موزیک نظامی، بنا به تقاضای دولت و وزارت فرهنگ، مأمور تأسیس مدرسه موسیقی گردید و با بودجه ناچیز موفق به گشایش مدرسه ای بنام: مؤسسه عالی موسیقی شد و چون فاقد معلمین آزموده بود، شخصاً خود آموزش را بعهده گرفت. او سنگ بنای مدرسه عالی موسیقی را بنا نهاد که بعد از چندی این مدرسه، زیر نظر کلنل علی نقی خان وزیری قرار گرفت. یکی از خدمات برجسته سالار معزز، بی نیاز کردن ایران از معلمین خارجی بود. شاگردان برجسته سالار معزز عبارتند از:

دکتر حبیب اله خان، سرهنگ غلام علی، حسین خان هنگ آفرین، رکن الدین خان مختاری و ابراهیم خان آژنگ.

سالار معزز بنا به دعوت امپراطور روسیه، سفری به بلگراد کرد و در کنسرتی که از موزیسین های بزرگ آلمان و روسیه تشکیل شده بود شرکت نمود و موفق به اخذ نشان امپراطوری گشت. سالار معزز، علاوه بر موسیقی اروپائی به موسیقی ایرانی هم کاملاً تسلط داشت. او نواهای موسیقی ایرانی را با ویلن و پیانو می نواخت. سالار معزز در سال ۱۳۱۴ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

سالار، مؤمن [Mowmen Sálár]: آهنگساز و تنظیم کننده فعال و از همکاران نزدیک خواننده خوش صدا و پُرآوازه؛ امید.

سالاری، حسین [Hoseyn Sálari]: نوازنده چیره دست تار در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۸ خورشیدی. از این نوازنده چند صفحه در آن سالها توسط کمپانی کلمبیا ضبط شده و وجود دارد از آن جمله: تصنیف ماهور بنام «دل پسند خوب و مه لقا» با صدای ج. ص، تصنیف ابوعطا، به چمن بلبل، و تصنیف ترک «مرغ بی نوا».

سالاری، داریوش [Dáryuš Sálari]: داریوش سالاری، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در آبادان بدنیا آمد. از ۷ سالگی به زدن نی لبک پرداخت. بعدها در سال ۱۳۵۲ به هندوستان رفت. در آنجا، همزمان با تحصیل، با موسیقی کلاسیک هند آشنا شد. سه تار و طبله را نزد استاد شرما به سبک راوی شانکار، آهنگساز بزرگ هندی آموخت. داریوش سالاری در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت و در حال حاضر به ساخت آلات و ادوات موسیقی سنتی ایران اشتغال دارد.

سالاری، مسعود [Maswud Sálari]: مسعود سالاری در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در کرمانشاه

بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۵ به تهران آمد و بعدها با استاد ابراهیم قنبری مهر آشنا شد و به شاگردی او درآمد. مسعود سالاری اولین شاگردی است که سه تار، تار و تنبور را با شیوه خرک ثابت و سرپنجه مخصوص و پرده فلزی که از ابتکارات استاد قنبری مهر است، بسازد. مسعود سالاری، در حال حاضر به ساخت سازهای اصیل ایرانی در تهران مشغول است.

سالاری، منصور [Mansur Sálari]: منصور سالاری پسر زنده یاد حسین سالاری نوازنده چیره دست و قدیمی تار، در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. منصور، تار را نزد پدر آموخت و بعدها که به تهران آمد، وارد هنرستان عالی موسیقی که در آن زمان، در میدان بهارستان قرار داشت رفت، و زیر نظر استاد موسی خان معروفی مشق تار گرفت. او سالها همراه با قمرالملوک وزیری ساز می زد.

سالک اردستانی، مهدی [Mehdi Sálak Ardestáni]: از صدابرداران برجسته و مدیر واحد صدا برداری رادیو ایران است که در اردستان یزد بدنیا آمد و بعدها به مدرسه عالی تلویزیون و سینما رفت و در سال ۱۳۵۵ خورشیدی در رشته صدابرداری فارغ التحصیل گشت. مهدی سالک اردستانی، علاوه بر فعالیت در رادیو، در استودیو ضبط صدای بل تهران نیز به کار صدابرداری و صداگذاری می پردازد.

سالک، حسن [Hasan Sálak]: ترانه سرای مشهور قدیمی و از همکاران نزدیک استاد تاج اصفهانی و آهنگساز برجسته استاد عبدالحسین برازنده بود. اولین ترانه‌ای که خانم ملوک ضرابی در رادیو اجرا کرد، بنام «کیستی» از سروده های حسن سالک و آهنگساز آن استاد حسین یاحقی بود. حسن سالک سرود های بسیاری را آفریده که از آن جمله میتوان به سرود فرهنگ با آهنگی از علی محمد خادم میثاق که توسط ارکستر نوین در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۱ خورشیدی از رادیو پخش شد. اشاره داشت. حسن سالک سالها از همکاران نزدیک انجمن موسیقی ملی و از اعضای مؤسس آن بود.

سالک قزوینی [Sálak Qazvini]: محمد ابراهیم قزوینی، متخلص به سالک از شاعران سده یازدهم هجری است. تولد او در قزوین به سال ۱۰۲۱ هجری بوده است. وفات این شاعر در قزوین به سال ۱۰۸۰ هجری اتفاق افتاده است. مجموع شعرهای او را به ۲۰ هزار بیت تخمین میزنند. دیوان قصیده، غزل و ساقی نامه و رباعی او به شماره ۱۳۲۷۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود.

سالک یزدی [Sálak Yazdi]: ملا سالک یزدی از شاعران نیمه دوم سده یازدهم هجری است. آغاز

عمرش در شیراز گذشت، پس به اصفهان رفت و پس از آن عازم هند شد و مدتی در دربار عبدالله قطب شاه (۱۰۲۰ - ۱۰۸۳ هجری) گذراند. او پس از مدتی به شاه جهان آباد و نزد دانشمند خان، همشهری خود رفت.

دانشمندخان (ملاشفیع یزدی) او را به شاه جهان معرفی کرد و سالک یزدی جزو ملازمان شاه قرار گرفت. کتاب این شاعر تحت شماره **OR 4779** در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

سالکی، بابک [Bābak Sālaki]: خواننده همدوره قاسم جبلی و ایرج پور خمایی که به اتفاق هم در پیس؛ شبی در بغداد شرکت داشته و می خواندند.

سالکی، شاپور [Šāpur Sālaki]: نوازنده زیر دست سنتور در کرمانشاه که به ردیف های موسیقی ایرانی آشنائی کامل داشت. شاپور سالکی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی در کرمانشاه فعالیت داشت.

سالم، حسین [Hoseyn Sālem]: نوازنده چیره دست کمانچه در لرستان که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی بدنیا آمد. او از ۱۸ سالگی نواختن کمانچه را آغاز نمود. معلم او، زنده یاد پیرولی کریمی بود.

سالم، خدیجه [Xadije Sālem]: معروفترین مامای نوبان در بندر لنگه (استان هرمزگان).

سالم، همت علی [Hemat Ali Sālem]: همت علی سالم، مسن ترین و با سابقه ترین کمانچه نواز لرستان است. او بالغ بر ۹۰ سال دارد و بیش از ۷۵ سال است که می خواند و می نوازد. همت علی سالم، نواختن کمانچه را نخستین بار نزد عمویش، استاد، شاه میرزا مرادی که بنام علیرضا الماس معروف بود، فرا گرفت. معلم دیگر او اسد بروجردی بود. سالم به لکی و لری آواز می خواند و شعر هم میگوید. او شاگردان برجسته ای تعلیم داد نظیر: پیرولی کریمی و علیرضا حسین خانی. همت علی سالم عقیده دارد که ریشه موسیقی لری، موسیقی چوپانی است.

سالمی، منصور [Mansur Sālemi]: منصور سالمی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. از ۸ سالگی تحت نظر هنرمندی بنام شاپور سالکی که از نوازندگان خوب سنتور در آن زمان بود قرار گرفت و ردیف های موسیقی ایرانی را از او فراگرفت. منصور سالمی، پس از مدتی به تهران آمد و زیر نظر استاد هائی پتون: حسین یاحقی، نور علی خان برومند، احمد عبادی، اسماعیل مهرتاش و تیمسار دادور

به تکمیل دانش موسیقی پرداخت.

منصور سالمی، خواننده خوش صدا، آهنگهای مرغ شباهنگ و خلوت شب از ساخته‌های اسدالله ملک را اجرا کرد که با استقبال عموم مواجه شد. منصور سالمی علاوه بر آواز، در نواختن سازهای سنتور، فلوت و ضرب نیز مهارت بسیاری دارد.

زنده یاد منصور سالمی در سال ۱۳۷۱ خورشیدی بعثت ابتلاء به سرطان چشم، چشم از جهان فرو بست.

سالی [Sáli]: خواننده خوش صدا پیش از انقلاب که در کارنامه هنری او فعالیت اندکی، خصوصاً با زنده یاد فریدون فرخزاد مشاهده میشود.

سامان [Sámán]: سامان خواننده جوان و خوش صدائی که در لس آنجلس پا به عرصه هنر موسیقی گذاشت و در مدت کوتاهی پله‌های اشتهار را پیمود. آلبوم الهه عشق این خواننده با ترانه دنیای باتو بودن در زمانی کوتاه، عمومیت یافت.

سامانی، جعفر قلی [Jawfar-Goli Sámání]: نوازنده چیره دست نی و سُرنا در شهر گُرد و از همکاران عبدالخالق سامانی نوازنده چیره دست کمانچه و فرج علی پور (خواننده و نوازنده کمانچه).

سامانی، حسن [Hasan Sámání]: نوازنده چیره دست سنتور در شهر گُرد و از همکاران عبدالخالق سامانی و جعفر قلی سامانی.

سامانی، عبدالخالق [Abdol-xáleq Sámání]: عبدالخالق سامانی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در سامان از توابع شهر گُرد بدنیا آمد. او در کودکی نزد نوازنده کمانچه، بنام عمو حسین رفت. پس از آموزشهای ابتدائی، سامانی نزد استاد محمد طغانیان، کمانچه نواز شهر گُرد رفت و ۸ سال از محضر او فیض برد. بعدها به تهران آمد و در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی نزد هنرمندان بنامی چون: محمد مقدسی و هادی منتظری به نواختن اصولی این ساز پرداخت. عبدالخالق سامانی از همکاران نزدیک گروه موسیقی مشتاق است.

سام بوکا [Sám Buká]: از آلات موسیقی بادی در عهد اشکانیان (نوعی سُرنا).

سامع، کمال [Sámew Kamál]: نوازنده زبردست نی و از شاگردان ممتاز استاد حسن کسائی.

ساندکس [Šerkat Sāndeks]: شرکت تولید، تکثیر و بخش نوآر و CD های ایرانی که در سالهای اول پس از انقلاب در لس آنجلس فعالیت داشته و اینک تولیدی از آن مشاهده نمیشود. نام قدیمی این شرکت در ایران که بسیار فعال بود، آهنگ روز است.

سانسیبل [Sānsibel]: به درجه هفتم گام اطلاق میشود.

سانوسیان، استپان [Stepān Sānosyān]: استاد و نوازنده چیره دست ویلن که بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ میلادی با ارکستر سنفونیک تهران همکاری نزدیکی داشت. استپان سانوسیان در زمان ریاست عزیز شعبانی در هنرستان عالی موسیقی تبریز، در آن سازمان به تدریس موسیقی کلاسیک همراه با استاد زاون مشغول بود.

ساوار [Sāvār]: واحد فیزیکی فواصل اصوات که توسط فیزیک دان و پزشک فرانسوی فلیکس ساواریت (۱۷۹۱ - ۱۸۴۱ میلادی) مطرح شده است. ساواریت عقیده دارد با به کارگیری از لگاریتم و نسبت ها، میتوان فواصل اصوات را با هم جمع و تفریق نمود و به جای کسر $\frac{2}{3}$ (معرف فاصله اکتاو) لگاریتم آنرا که 0.301 است بکار برد. فارابی، اندازه گیری فواصل گام را در تقسیم اکتاو، ۱۴۴ واحد دانسته که روش او بسیار برتر از روش ساوار است.

ساوجی [Sāveji]: نام کوک پنج گاه بر تنبور شروانیان تبریز است.

ساوجی، سید احمد [Seyyed Ahmad Sāvaji]: از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با: طاهرزاده، رضا قلی نوروزی، علی خان ناب السلطنه، سید حسین غراب، سارنگ، قربان خان قزوینی و علی خان.

ساوجی، مریم [Maryam Sāvaji]: از شعرای معاصر و همدوره با دکتر علیرضا میثمی، علی قلی کاتبی و وجدی.

ساورائی؛ باقر [Bāqer Sāverāwi]: نوازنده مشهور کلارنیت در آذربایجان و همدوره سروژ

آرزمیان و مصطفی منفرد منش.

ساورائی، محمدرضا [Mohammad Rezā Sāvarāwi]: محمدرضا ساورائی در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در بندر پهلوی بدنیا آمد. در جوانی نزد هنرمندی بنام حسین ناصحی به مدت ۱۰ سال مشق موسیقی گرفت و سپس عازم آلمان شد و بمدت ۷ سال در جهت ساخت و تعمیر پیانو در آنجا کارآموزی نمود. پس از اقامت در آلمان، ۷ سال دیگر در سوئد به این حرفه پرداخت. وقتی به ایران بازگشت به ساخت ویلن، ویلن سل و عود پرداخت. او که استاد سازنده پیانو بود با عدم حمایت دولت و با سرمایه شخصی خود، ۵ پیانو بنام «خیام» ساخت و روانه بازار کرد. این هنرمند ارزشمند در آرزوی برپائی کارخانه پیانوسازی در ایران در سال ۱۳۶۹ چشم از جهان فرو بست.

ساوه‌ای، آقاجان [Āqā-jān Sāvei]: از خوانندگان مشهور دوره قاجاریه که سمت استادی به استاد ملاکریم قزوینی دارد.

سهاک [Sāhāk]: نوازنده چیره دست جاز در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی. این هنرمند در ابتداء تأسیس رادیو ایران با این سازمان همکاری خود را آغاز و سالها به آن ادامه داد.

سایکاد [Sāykād]: نغمه‌ای دل‌پذیر از پرده و دستگاه‌های موسیقی قدیم ایران.

سایه، استودیو [Studio Sāye]: استودیو ضبط صدا در تهران به سرپرستی گوینده توانا و خوش صدا؛ هوشنگ لطیف‌پور.

سایه، ه.ا. [Sāye]: (هوشنگ ابتهاج) لطفاً به ابتهاج، هوشنگ نگاه کنید.

سایه خشک [Sāye Xošk]: اصطلاحی در روش طبیعی خشک نمودن چوب در هنر و صنعت ساز سازی یا ساز تراشی. در این روش خشک کردن چوبها حداقل، یک تا سه ماه وقت میگیرد.

سایه روشن [Sāye Rošan]: ایجاد هماهنگی بین فواصل موسیقی، در شدت و ضعف و زیر و بم.

سبابه [Sabbābe]: انگشت دوم دست که در آلات زهی، عمل گرفت را به عهده دارد. از این واژه در

موسیقی قدیم، جهت تعیین گام‌ها و فواصل در انگشت‌گذاری استفاده می‌شده است، نظیر: سیابه بم، محل انگشت اول بر سیم چهارم عود. سیابه زیر: محل انگشت اول بر سیم اول عود. سیابه مثلث: محل انگشت اول به سیم سوم عود. سیابه مثنی (Masna): محل انگشت اول بر سیم دوم عود و سیابه وتر اعلی: در آلات سه سیمه، محل انگشت اول بر سیم بم را گویند.

سجائی، جمشید [Jamšid Sajāwi]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: بی تو، با تو با ۸ ترانه که یکی از آنها بزبان انگلیسی است در دسترس می‌باشد.

سبز آرنگ یا سبزرنگ [Sabz-Ārang]: نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران، منسوب به غلام شیخ عطار.

سبزه‌بهار یا سبزه بهار [Sabz-Bahār]: یکی از الحان دوره ساسانیان است.

سبز پری [Sabz-Pari]: از آوازهای معروف شرق و جنوب خراسان.

سبز در سبز [Sabz dar Sabz]: از الحان بارید که بر درخت سرو خوانده است. نام این آهنگ از آن جهت سبز در سبز است که لباس بارید سبز بوده، برپا او سبز و بر فراز درختی سبز این سرود را خوانده است.

سبزواریان، ماشاله [Māšāllāh Sabzevāryān]: ماشاله سبزواریان معروف به ماشاله عرو در سال ۱۳۱۳ خورشیدی بدنیا آمد. از ۱۳ سالگی آواز می‌خواند. آوازهای قدیمی را از خواننده نابینای لرستان عزیزبگ آموخت. سبزواریان از ۱۳ سالگی با هنرمندان سرشناس لرستان نظیر پیرولی کریمی و علیرضا حسین خانی همکاری داشت. ماشاله سبزواریان، بازنشسته ژاندارمری است و در حال حاضر به فرش فروشی اشتغال دارد.

سبزواری، حمید [Hamid Sabzevāri]: شاعر و ترانه سرای معاصر که از او کارهای ارزنده ای چون: بیا و بنشین کنار گل، حدیث گل، جانبازان و این پیروزی خجسته باد با صدای محمد گل ریز بجا مانده است.

سبزه بهار [Sabze ye Bahār]: با نام دیگر افسر بهار. نام یکی از الحان موسیقی در زمان ساسانیان است.

سبک [Sabk]: روش، شیوه، طریقه تدوین موسیقی در ادوار مختلف در تأثیر گذاری و تأثیر پذیری از جامعه، مانند سبک کلاسیک، مدرن و رومانتیک. سبک نوازندگی و خوانندگی: مجموعه‌ای از آداب و رفتار در طریقه خواندن و نواختن است.

سپار [Sepār]: نام سازی است که ماخذ از واژه پهلوی است.

سپانلو، سلیمان [Soleymán Sepánlu]: نوازنده چیره دست تار و همدوره موسی خان معروفی. سلیمان سپانلو از شاگردان ممتاز استاد علی نقی وزیری بود. در سال ۱۳۲۵ خورشیدی، خانه‌ای از این هنرمند در خیابان هدایت تهران اجاره، که اختصاص به انجمن موسیقی و باشگاه انجمن داده شد. در حقیقت بانی و مؤسس باشگاه موسیقی انجمن، سلیمان سپانلو و زنده یاد روح اله خالقی بودند. این باشگاه در سال ۱۳۲۸ بعثت عدم تأمین مالی به تعطیل کشیده شد. از شاگردان مشهور سلیمان سپانلو میتوان به استاد حسین سنجری اشاره داشت.

سپانلو، شهرزاد [Šahrzād Sepánlu]: از اعضاء سابق گروه موسیقی سیلووت در لس آنجلس که مدتی است مستقلاً به کار خوانندگی می پردازد. از او آلبوم: قصه ما کار انفرادی او در دسترس میباشد.

سپاهان [Sepāhān]: لطفاً به اصفهان نگاه کنید.

سپاهان، تاتر [Teàtre Sepāhān]: از معروفترین تاترهای اصفهان در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ که توسط هنرمندان: آقای صدری؛ ارحام صدر و نصرت اله وحدت اداره میشد. این تاتر، بعدها تبدیل به سینما شد. از سالن این تاتر، هرچندگاه برای اجرای موسیقی استفاده میشد.

سپرانو [Sopràno]: وسعت صدای زیر در زنان.

سپنتا، ساسان [Sásān Sepantā]: دکتر ساسان سپنتا، پسر هنرمند گرانقدر سینمای ایران عبدالحسین سپنتا است که برای اولین بار سینمای ناطق را با فیلم دختر لر عرضه داشت. (۱۳۱۲)

خورشیدی).

دکتر ساسان سپنتا، یکی از موسیقیدانها و پژوهشگران مشهور ایران است. او آموختن موسیقی را ابتداء نزد، استاد ابوالحسن صبا آغاز و پس از چندی، نزد استاد محمود تاجبخش رفت. معلم بعدی او زنده یاد روح اله خالقی بود. او در سال ۱۳۵۱، دکترای خود را تحت عنوان: بررسی فونتیکی خصوصیات واج های زبان فارسی دریافت کرد.

کتابهای دکتر ساسان سپنتا عبارتند از: سینما (۱۳۵۱ خورشیدی) ترجمه کتاب «مفهوم فیلم، نوشته سرگی آیزنشتاین (۱۳۵۲ خورشیدی). تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران (۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ خورشیدی). و مقالات بسیاری در خصوص: سنجش مصوتهای زبان فارسی، بررسی فیزیکی واج های زبان فارسی و تجزیه و بازسازی گفتار.

از این هنرمند گرانقدر بالغ بر ۶۰ مقاله تحقیقی راجع به موسیقی و ادبیات و زبان شناسی منتشر شده است.

سپند. م [M. Sepand]: ترانه سرای معاصر که از او اجرای ترانه معروف فاطمی جون با صدای ناصر و آهنگ پر نور در دسترس می باشد.

سپهدان [Sepahbodân]: از الحان موسیقی در زمان ساسانیان.

سپهر [Sepehr]: گوشه ای است در دستگاه راست پنجگاه، که بعد از پنج گاه و قبل از عشاق اجرا میشود.



سپهر [Sepehr]: آهنگساز، نوازنده کی بورد و گیتار، تنظیم کننده آهنگ که در آمریکا به فعالیت اشتغال دارد. سپهر همکار هنرمندی دارد بنام شاهین که او نیز در نواختن گیتار مهارت بسزائی دارد. آریا از نمونه کارهای زیبای این دو هنرمند ارزشمند است.

سپهر، محمد علی [Mohammad Ali Sepehr]: از خوانندگان خوش صدا پیش از انقلاب و

همدوره با نادر گلچین، عهدیه، پوران و سیما بینا.

سپهریان، عاطفه [Átefe Sepehryán]: نوازنده چیره دست پیانو در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران.

سپهری، سهراب [Sohráb Sepehri]: زنده یاد سهراب سپهری در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشسرای مقدماتی تهران رفت و در ۱۳۲۵ به استخدام اداره آموزش و پرورش کاشان درآمد. در این سال نخستین شعرش را بنام: بیمار، در ماهنامه جهان نو چاپ کرد. در سال ۱۳۲۷ از آموزش و پرورش استعفا داد و در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در رشته نقاشی دریافت داشت. سهراب سپهری شاعری است توانا که در حدود ۳۰ سال کار و تجربه در زمینه شعر، مجموعه نسبتاً عظیمی از خود به یادگار گذاشته است.

اولین کتاب او؛ مرگ رنگ در سال ۱۳۳۰ منتشر شد و دومین کتاب او «زندگی خوابها» در سال ۱۳۳۲. آواز آفتاب، سومین کتاب اوست که در سال ۱۳۴۰ خورشیدی منتشر شد. چهارمین کتاب او «شرق اندوه» نام دارد و منظومه صدای پای آب، پنجمین کتاب این شاعر گرانقدر است. ششمین اثر سهراب «مسافر» و هفتمین کار او «حجم سبز» نام دارد. سهراب سپهری در اول اردیبهشت سال ۱۳۵۹ در بیمارستان پارس تهران بعلت سرطان خون، چشم از جهان فرو بست.

سپهری، مهدی [Mehdi Sepehri]: استاد مهدی سپهری، نوازنده زبردست ویلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۵ خورشیدی.

سپهری، نصرت اله [Nosratolláh Sepehri]: موسیقیدان برجسته ایرانی و همدوره با موسی خان معروفی، حسین تهرانی، ابوالحسن صبا، جواد بدیع زاده، اکبر محسنی، نصراله زرین پنجه و ابراهیم منصوری.

نصرت اله سپهری از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بود. ساز اصلی این آهنگساز بزرگ، ویلن بود.

نصرت اله سپهری در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. در چهار سالگی به تهران آمد. طی تحصیلات ابتدائی به مدرسه موسیقی که زیر نظر سالار معزز (مین باشیان) اداره میشد رفت. او پس از

فراغت از تحصیل موسیقی، برای تدریس سرود به وزارت فرهنگ رفت. او سالها از همکاران ارکستر سنفونیک تهران بود. از شاگردان ممتاز استاد سپهری میتوان به: استاد علی تجویدی، استاد عباس شاپوری، استاد عبدالله جهان پناه اشاره داشت.

سپهوند، شکراله [Šokr-ollāh Sepahvand]: نوازنده چیره دست کمانچه در گُرستان.

سپید مهره [Sepid-Mohre]: سازی است بادی و بی زبانه، از رده بوق که به آن سپید مهره، خر مهره، بوق حلزونی و شیپور حلزونی نیز گویند. لطفاً به خر مهره نگاه کنید.

سپید نای [Sepid Nāy]: سازی است بادی شبیه نی هفت بند و بی زبانه نظیر فلوت. سوراخ دمیدن در نای، در بدنه استوانه‌ای آن است و وسعت صدایش ۲ اکتاواست. نام دیگر سپید نای، مزمار است.

سپیده [Sepide]: خواننده خوش صدای ساکن لس آنجلس که بیشتر در محافل خانوادگی فعالیت دارد.

ستا [Setā]: سازی است قدیمی مشهور به سه تار و نیز نام لحنی از موسیقی دوره ساسانیان که به زیر و ستا گفته شده است. ستا به سیم سوم عود یا بریط نیز اطلاق میشود.

ستار، حسن [Hasan Sattār]: خواننده مشهور و قدیمی رادیو و تلویزیون ملی ایران که با تغییر رژیم و نداشتن امکان فعالیت در ایران، به آمریکا مهاجرت نمود. ستار، در حال حاضر یکی از خوانندگان پُرکار لس آنجلس میباشد. از این خواننده گرانقدر دهها ترانه ماندگار بجا مانده است که از آن جمله میتوان به: تکیه گاه، خاک خسته، خاطره، اشک ناکامی، مهتاب، من و غروب و جاده، صدای بارون، هراس، تعظیم، رفیق، مناجات، سفر، آب، صدای زنگوله‌ها، اشک، افلاکی، دلتنگی، شکوه، غزل، بهت، منو نترسون، سر سپرده، عسل، زخم، آوازه خوان و دهها ترانه دیگر نام برد.

ستار خان [Sattār-xān]: از منظومه های معروف حماسی موسیقی عاشیقی.

ستاره [Satārah]: سازی است بادی که از دو نای که از راس استوانه ها به یکدیگر متصل شده‌اند و انتهای آنها از هم جدا است تشکیل یافته است. یک نای، نغمه ثابت را اجرا می‌کند و بلندتر از نای اصلی

است.

ستاره، برنامه تلویزیونی [Barnámeye Televizioni Setära]: برنامه تلویزیونی در خصوص مصاحبه با هنرمندان، خصوصاً هنرمندان رشته موسیقی که از آگست سال ۲۰۰۰ بخش آن از تلویزیون ملی ایران - لس آنجلس صورت گرفته است. تهیه کننده و مجری این برنامه اشکان روزبهرانی است.

ستاری، علیرضا [Ali-Rezá Satári]: خواننده و آهنگساز ساکن آمریکا که از او آلبوم: عشق دیرینه با ۶ ترانه؛ غربت، خانم، عشق دیرینه، زیون، انتظار و شهرمون در دسترس میباشد. اشعار این ترانه ها از سروده های خود اوست و آهنگها نیز هم چنین، به غیر از ترانه خانم که با همکاری انوش افراشته ساخته شده است.

ستایشگر، مهدی [Mehdi Setāyešgar]: موسیقیدان و مؤلف کتاب ویژگی سنتور در موسیقی سنتی ایران. مهدی ستایشگر استاد و نوازنده سنتور، در تهران به تدریس این ساز اشتغال دارد.

ستخمک [Setaxamak]: سازی است بادی چوبی از رده بوق یا شیپور و بسیار قدیمی که قدمتی بالغ بر ۲۰۰۰ سال دارد.

ستو [Setu]: سازی سه سیمه که اطلاقی به تنبور سه سیمه بوده است.

ستوده، ابراهیم [Ebrāhim Setude]: از هنرمندان موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی و هم دوره با استاد حسن کسائی، جلیل شهناز، سیروس ساغری و جهان بخش پازوکی.

ستوده، نعمت اله [Newmat-olláh Setude]: سید نعمت اله ستوده در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی - متوسطه و دانشگاهی را در آن شهر پایان رساند. در سال ۱۳۴۱ برای تحصیل در رشته فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی به تهران آمد. این هنرمند گرانقدر در نواختن سنتور، فلوت، نی و سه تار تبحر فراوان دارد. او به تمام ردیف های موسیقی اصیل ایرانی آشنائی کامل دارد.

سجاح [Sejäh]: از اصطلاحات قدیم موسیقی به مفهوم مطلق صدای بم در سیاه مثنی. لطفاً جهت

کسب اطلاعات بیشتر به سیاه نگاه کنید.

سجادی، ضیاءالدین [Zyá-eddin Sajádi]: از نویسندگان مشهور معاصر که در برنامه گلهای رادیو ایران سخنانی راجع به شعر و شاعری می گفتند.

سجادی، مهدی [Mehdi Sajádi]: نوازنده زبردست ویلن آلتو در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران

سجاران [Sejárán]: سجاران رنگی است که گاهی به آهنگهای معمول در موسیقی اهل حق پیوند می شود، گویا چندین آهنگ تحت این عنوان آمده است. یکی از آنها اندکی شبیه به روایت $\frac{6}{8}$ ذکر پاپو سلیمانی است

سحاب [Saháb]: میرزا سید محمد «سحاب» از شعرای عهد فتح علی شاه و از مداحان اوست. دیوان این شاعر قریب ۵ هزار بیت دارد.

سحابی استرآبادی [Sahábi Starábádi]: کمال الدین سحابی استرآبادی از عارفان و شاعران سده دهم است. او در شوشتر بدنیا آمد و چهل سال آخر عمر را در نجف بسر برد. سال وفات او ۱۰۱۰ هجری است. از کلیات سحابی، نسخه های متعددی در دست می باشد. دیوان غزلهای او شامل ۲۸۰۰ بیت و مجموعه رباعیات او شامل ترانه های عارفه بسیاری است.

سحر [Sahar]: از خوانندگان ساکن لس آنجلس که به بازخوانی ترانه خوانندگان دیگر می پردازد.

سحر آوازی [Sahar-ávázi]: آهنگ بیدار باش ایل نشینان که در جشن ها و اعیاد توسط کرنا زنان با نقاره بهنگام سحر در مایه اصفهان اجرا میشود.

سحری، دستگاه موسیقی [Dastgáhe Musiqi Sahari]: وقتی دستگاه شیخ امیری که از خاصه ترین و رایج ترین دستگاه موسیقی اهل حق است، بفاصله چهارم منتقل شود، دستگاه سحری بدست می آید که در آن تشدید (اکسان) روی نت چهارم است. سحری، دستگاهی است سازی که آنرا روی وزن ۲ یا ۴ ضربی می نوازند. یکی از ویژه گیهای اجرای آن در شرهای دست راست است که امواج باز

و گوناگونی را بوجود می‌آورد.

سخائی منوچهر [Manucehr Saxáwi]: خواننده گرانقدر قدیمی که همچنان در اوج می خواند. از این خواننده ترانه های جاویدان و بجا ماندنی بسیاری چون «پرستو» با شعر سیروس آرین پور و آهنگ عطاله خرم، «کلاغها» «بابارو بوس کن که تو دنیای منی» و «از راه دور آمدم آملای علی، آره دوستش دارم و بدرود در دسترس میباشد. منوچهر سخائی یادآور دوران طلائی فعالیت ویگن - عارف - روانبخش و خود اوست. منوچهر سخائی در حال حاضر ساکن سن حوزه، شمال کالیفرنیا است و از او کارهای جدیدی در آمریکا عرضه شده است.

سرآواز [Sar-áváz]: قسمتی از آواز و کلام آهنگین که جهت تکرار خلق میشود. ترجیع بند موسیقی.

سراج الدینی عابد [Ábed Soráj-eddini]: دکتر عابد سراج الدینی از مسئولین برنامه گردی رادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی بود.

سراج الذاکرین، محمد [Mohammad Soráj-álzakerin]: از خوش آوازان خانواده ملک تفرشی که اهل منبر بود و در سال ۱۲۸۹ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

سراج، حسام الدین [Hesám-eddin Soráj]: خواننده معروف شیرازی که از او میتوان به آلبوم زیبای: طریقت عشق اشاره داشت.

حسام الدین سراج در زمینه آهنگسازی نیز تجاربی دارد. از نمونه کارهای او میتوان به ساخت موسیقی متن فیلم «دو چشم بی سو» از محسن مخملباف اشاره داشت.

سراج قُمَری [Saráj Qomri]: مولانا سراج الدین قُمَری از جمله شاعران چیره دست دوزبانی است که در اواخر سده ششم و نیمه اول سده هفتم هجری میزیسته است. از این شاعر دیوان شعری بالغ بر سیزده هزار بیت بجا مانده و محل زندگی او، آمل بوده است.

سراج، نوذر [Nouzar Saráj]: مهندس نوذر سراج در سال ۱۳۱۴ خورشیدی بدنیا آمد. پدر او نوازنده تار بود و مادرش آکوردئون زیبا می نواخت و صدای خوشی داشت. مهندس نوذر سراج نواختن تار را از کودکی آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ از شیراز به تهران آمد و با مساعدت استاد غلام حسین بنان به

رادیو راه یافت. مهندس سراج به خاطر ادامه تحصیل از همکاری با رادیو خودداری کرد و به آمریکا آمد و مهندسی خود را در رشته منابع طبیعی دریافت داشته و به ایران بازگشت. او ۲۳ سال در کار دولت خدمت کرد و آخرین سمت او: مدیرکل دفتر فنی مرتع سازمان جنگلها بود و بعد از این مدت بازنشسته شد.

سراج، هوشنگ [Husang Sarāj]: نوازنده زبردست کلارنیت در اصفهان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی و از همکاران نزدیک؛ استاد تاج اصفهانی و استاد جلیل شهناز.

سراجیان، بهمن [Bahman Sarājiyān]: بهمن سراجیان در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در ۱۱ سالگی، در سال ۱۳۲۷ به کلاس درس مهندس رضا روحانی پدر اردشیر، انوشیروان، شهداد و شهریار روحانی رفت و درس آواز و سنتور گرفت. او بعدها به کلاس زنده یاد رضا گلشن راد رفت و گوشه و ردیف های موسیقی را فرا گرفت. ساز تخصصی بهمن سراجیان، سنتور است.

سراجی سگزی [Sarāji Saggezi]: سید سراج الدین سگزی، متخلص به سراجی از شاعران پارسی گو و مشهور سده هفتم هجری است. دیوان شعر این شاعر بشماره (۶۳۴۳۴) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود.

سرامی، قدم علی [Gadam- Ali Sarāmi]: دکتر قدم علی سرامی از ترانه سرایان معاصر و همدوره با زنده یاد فریدون مشیری و خانم سیمین بهبهانی است.

سرانداز [Sarandāz]: نام لحنی در موسیقی قدیم و نام اصولی است از جمله هفده بحر اصول موسیقی قدیم که آنرا صوفیانه نیز میگویند.

سرایش سلفژ [Sarāyeš Solfež]: خواندن نت توام با اسم و آهنگ و کشش های تعیین شده آنها. نغمه پردازی و سرود خوانی.

سربازی [Sarbāzi]: از آلات ضربی کوبه ای. طبلی کوچکتر از دهل و از آلات موسیقی بلوچستان.

سربند [Sarband]: مصراع یا بیت ترجیع که در پیشرو (نوعی پیش درآمد در موسیقی قدیم) مرسوم بوده است.

سرپولک، مطرب [Motreb Sarpulak]: دسته مطرب دوره قاجاریه که در آن، قلی خان نوازنده چیره دست کمانچه شرکت داشته است.

سرتیپ [Sartip]: خواننده خوش صدای قدیمی، از شاگردان ابوالحسن خان اقبال آذر (اقبال السلطان) و همدوره با رضاقلی میرزا ظلی، ابراهیم بوذری و ملوک ضرابی.

سرحدی [Sarhaddi]: از آوازهای مهم در موسیقی کاشمر خراسان.

سرحدی بلوچستان، موسیقی [Musiqiye Sarhaddi Balucestān]: سرحدی ناحیه‌ای است در جنوب شرقی ایران در کنار مرز پاکستان که از شمال به سیستان، از جنوب به رود ماشکیل، از مرز تا مگس (زابل کنونی) و از غرب به امتداد کویر لوت تا شمال آبادی بزمان و به کوه در زنان محدود است. سرحد در واقع نواحی شمال بلوچستان است.

موسیقی سرحدی با موسیقی ناحیه ای دیگر بنام مَکُران (Maccoran) که شامل سایر نواحی مرکزی و جنوبی بلوچستان است از جهاتی بهم شبیه هستند و از بعضی نظر، با هم اختلاف دارند. مهم ترین آواز منطقه مَکُران، یعنی آواز «ذهیروک» با مهمترین آواز منطقه سرحد یعنی آواز «لیکو» قابل مقایسه است. این دو آواز متن های نسبتاً یکسان دارند و در ضمن در متر آزاد ملودی با هم تشابه دارند.

لیکو فاقد ترکیب آریوزورسیتاسیون است - ترکیبی که به ملودی شدیداً تضاد می بخشد. طرح لیکو برخلاف ذهیروک، چیزی جز تغییر متوالی پرپود آغازین نیست. ویژه گی های سبک سرحدی را در لیکو بیش تر از نمونه های دیگر موسیقی بلوچی میتوان دید.

ذهیروک موسیقی هجران است و موسیقی سرحدی بلوچستان نسبت به موسیقی منطقه مَکُران محدود تر است. از موسیقی های دیگر ناحیه سرحدی میتوان به سوت، وزیت و هالو اشاره داشت.

سرخسی، ابوالعباس [Abol-Abbās Saraxsi]: ابوالعباس سرخسی موسیقیدان و مؤلف کتاب «الموسیقی الکبیر» که در سال ۲۸۶ هجری چشم از جهان فرو بست.

سرخ مرد، احمد [Ahmad Sorx-mard]: احمد سرخ مرد در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. او از کودکی آواز می خواند. در ۱۵ سالگی به فراگیری ردیف و گوشه های آواز ایرانی پرداخت. استاد اول او، اسماعیل مهرتاش بود. او بعدها به مکتب استاد محمود کریمی رفت و در هنرستان عالی

موسیقی مشغول فراگیری آواز و نواختن تار شد. احمد سرخ مرد در بروجرد به شغل آموزگاری اشتغال دارد.

سرخوان [Sar-xân]: پیش خواننده، آنکه قبل از دیگران می خواند.

سرخوش، ابراهیم [Ebrāhim Sarxoš]: استاد ابراهیم سرخوش در سال ۱۲۹۰ خورشیدی بدنیا آمد. پدر بزرگش سنتور میزد، پدرش هم تار می نواخت. وقتی پدرش به شاگردانش مشق تار میداد، ابراهیم گوش میکرد. از کودکی جزو شاگردان پدرش درآمد و چون به ضرب هم دلبستگی داشت، نواختن آنرا نیز فراگرفت. ابراهیم سرخوش در ۱۶ سالگی، پس از فوت مادرش، با ویلن آشنا شد و همزمان به فراگیری نت پرداخت. روزی برحسب اتفاق در حراج خانگی، سنتوری کهنه خرید و شروع به نواختن آن نمود. ابراهیم سرخوش، تار را به سبک قدیمی ها و درست می نواخت. به ردیف های موسیقی ایرانی آشنائی کامل داشت، و سالیان دراز از نوازندگان رادیو بود، گاهی سلو می نواخت و گاهی ارکستر را اداره می کرد. او از نوازندگان ارزشمند ارکستر سازهای ایرانی بود. زنده یاد ابراهیم سرخوش در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ در آغاز نوروز چشم از جهان فرو بست.

سرخوش، سلیمان خان [Soleymān-xān Sarxoš]: نوازنده چیره دست سنتور و پدر بزرگ استاد علی اکبر سرخوش است.

سرخوش، علی اکبر [Ali-Akbar Sarxoš]: استاد سازنده و نوازنده سنتور و برادر هنرمند گرانقدر ابراهیم سرخوش است. علی اکبر سرخوش در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدر او در تهران، خیابان ناصر خسرو. باغچه علی جان، کارگاه کوچکی داشت که در آن به ساختن تار و سنتور مشغول بود. علی اکبر سرخوش از ده سالگی در کارگاه پدر به کار مشغول شد. استاد علی اکبر سرخوش، بیش از ۶۰ سال است که مشغول ساختن سازهای مختلف، بخصوص سنتور است. او به نواختن سازهایی چون: سنتور، سه تار، تار، کمانچه، پیانو و آکوردئون آشنائی کامل دارد. او اولین هنرمندی است که روی آکوردئون ربع پرده قرار داد.

سرخوش، کریم [Karim Sarxoš]: سازنده قدیمی و مشهور سنتور و همدوره با مارکار و مهدی ناظمی.

سرخوش کشمیری [Sarxoš Kešmiri]: محمد افضل سرخوش به سال ۱۰۵۰ هجری در کشمیر بدنیا آمد. پدرش منصب دیوانی داشت و پس از او، پسرانش خدمت دولتی را در پادشاهی اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹ - ۱۱۱۸) رها نکردند. از اثرهای مشهور سرخوش: کلمات الشعرا است.

سردار ماکوئی، قمر [Gamar Sardār Mākuwi]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

سرژیک [Seržik]: خواننده فعال ساکن لس آنجلس که از او آلبومهای بسیاری در سالهای اخیر به بازار آمده است. از کارهای او میتوان به آلبوم: انتظار با ده ترانه و هم چنین آلبوم: دیسکو او، اشاره داشت. سرژیک به زبانهای مختلف می خواند.

سرشار، حسین [Hoseyne Saršār]: خواننده اول اپرای تهران، دوبلور ویتوریودسیکا و آلبرتو سوردی و بازیگر سینما که از او فیلم های: جعفرخان از فرنگ برگشته (علی حاتمی) و اجاره نشینها (داریوش مهرجویی) وجود دارد. حسین سرشار خواننده جوان و خوش صدا، همواره همکاری نزدیکی با زنده یاد مرتضی حنانه داشت. ترانه اشک من هویدا شد که قبلاً توسط خانم مرضیه خوانده شده بود، توسط این هنرمند باز خوانی شده است.

حسین سرشار در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در خیابان فرهنگ تهران بدنیا آمد. او در جوانی به خواندن پیش پرده روی آورد و سپس به خواندن سرود پرداخت. حسین سرشار جهت فراگیری اصولی موسیقی به هنرستان عالی موسیقی رفت. گام بعدی او گذراندن دوره کنسرواتوار در رم بود. حسین سرشار در مسابقه بین المللی آواز با شرکت خوانندگان آمریکائی، روسی، فرانسوی و ایتالیائی که در ونیز برگزار شد به مقام نخست رسید. این هنرمند گرانقدر و وطن پرست، پس از انقلاب بجرم خواندن سرود ای ایران و افکار مخالف رژیم مذهبی به زندان افتاد. او در زندان بخاطر شکنجه های بسیار حافظه اش را از دست داد و او را در آبادان رها کرده و با یک تصادف ساختگی به قتل رساندند.

سرشار، شهلا [Šahlā Saršār]: خواننده خوش صدا و فعال در لس آنجلس کالیفرنیا، با تسلط کامل در اجرای آهنگهای اصیل و ضربی. این هنرمند گرانقدر با استاد فرید فرجاد، آهنگساز و ویلونیست معروف همکاری نزدیکی دارد. در زیر به چند آلبوم از این خواننده اشاره میشود: آلبوم های قناری، غزل خوان و عاشقانه با دلم رفتار کن.

سرشار قراچه داغی، نجف قلی [Najaf-Goly Sarsār-Qracedāqi]: نجف قلی سرشار، شاعر، حکیم و نقاش، پسر کاظم خان و برادر مصطفی قلی خان حاکم قراچه داغ بود. او شاعری بود که طرفداران بسیاری داشت و همین امر باعث رشک برادرش شد و او را زندانی کرد. پس از مرگ مصطفی قلی، محمد شاه قاجار او را به عرش رساند که در دربار بعلت بدگویی اطرافیان، شاه دستور داد با گزlk دو چشم او را درآوردند. دیوان شعر این شاعر ۵ هزار بیت دارد که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تحت شماره ۴۰۵۳ نگهداری می شود.

تألیفات او عبارتند از: غزلیات یا خرم نامه، ساقی نامه، مثنوی، ترجیح بند، هجو و مطایبه و غزل به زبان ترکی آذربایجانی.

سرغین [Sarqeyn]: سازی است بادی دوزبانه ای از رده سورنای. در ایل قشقایی فارس، سازی متداول است که به آن کرنای قشقایی گویند و بنظر میرسد، سرغین باشد.



سرفراز، اردلان [Ardalān Sarfarāz]: ترانه سرای مشهور و فعال معاصر که با اکثر خوانندگان معروف ایران همکاری نزدیک داشته و دارد. از این هنرمند بزرگ و ترانه سرای گرانقدر آثار بسیاری بجا مانده است از آن جمله:

مرداب پیر، همزاد، بدادم برس ای اشک، من و گنجشگای خونه، دوتا پنجره با صدای جاودانه گوگوش.

سرفراز، فریدون [Fereyduṉ Sarfarāz]: فریدون سرفراز در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. او در جوانی نزد استادی بنام «حسن صداقت» رفت و از او موسیقی را فراگرفت. پس از این استاد، نزد «استاد جوان» رفت و ۱۷ سال به تکمیل دانش موسیقی پرداخت، و سپس همکاری خود را با رادیو مشهد آغاز کرد. فریدون سرفراز در حال حاضر به آموزش هنرجویان موسیقی اشتغال دارد.

سرفراز، ناهید [Náhid Sarfaráz]: خواننده خوش صدای سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۶ خورشیدی که همکاری نزدیکی با رادیو ایران در سالهای اول تأسیس داشت. از ناهید سرفراز ترانه دو صدائی سه تار و ستاره در مایه سه گاه با شعری از کریم فکور، آهنگ از استاد اکبر محسنی و اجرای او با حمید قنبری وجود دارد. ناهید سرفراز با خوانندگانی چون: سعادت‌مند قمی، بهرام سیر و داریوش رفیعی هم‌دوره بود.

او در فیلم دستکش سفید ساخته زنده یاد پرویز خطیبی آواز خوانده است.

سرگب [Sarkab]: از نوازندگان مشهور دوره ساسانیان.

سرکش یا سرگش [Sarkaš]: رامشگر محبوب خسرو پرویز ساسانی و رقیب سر سخت باربد که بنا به روایتی باربد را مسموم کرده و بقتل میرساند. البته در شاهنامه فردوسی سخن بگونه دیگر است، یعنی باربد تا زمان مرگ خسرو پرویز زنده بوده است.

سرکش [Sarkaš]: نام پرده و لحنی در موسیقی عهد ساسانیان نیز می‌باشد.

سرکشیک، منصور [Mansur Sarkešik]: منصور سرکشیک در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدائی وارد هنرستان هنرپیشگی شد و پس از مدتی به کارهای سینمائی پرداخت. او چون صدای گرم و جذابی داشت به کلاس استاد اسماعیل مهرتاش رفت و در این کلاس ردیف های موسیقی ایرانی را فرا گرفت. او مدتها نزد زنده یاد حسن رادمرد و مصطفی کمال پور تراب مشق موسیقی گرفت. از او ترانه هایی همراه با ارکسترهای منوچهر گودرزی، اعرابی و کروندی در دسترس می‌باشد.

سرکوهی [Sarkuhi]: از آوازهای محلی فارس، دارای متر آزاد.

سرکیسیان، آلیس [Ālis Sarkisyán]: هنرآموز هنرستان عالی موسیقی تهران

سرکیسیان، لیلیا [Lilyá Sarkisyán]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی در رشته پیانو.

خارانیان به پایان رسانید.

او از همکاران نزدیک ارکستر سنفونی تهران، خصوصاً در زمان رهبری استاد سنجری بود. این هنرمند گرانقدر، پس از تغییر رژیم، در هنرستان دختران تدریس کرده و هنرجویان بسیاری از ایشان پیانو آموخته‌اند. خانم سرکیسیان از فعالترین هنرمندان امروز ایران بشمار می‌روند.

سرگذشت غلام حسین درویش، کتاب [Ketābe Sargozašte Golām-Hoseyn Darviš]:

سرگذشت غلام حسین درویش، کتاب، نوشته استاد حسین علی ملاح از انتشارات هنر و فرهنگ. تهران سال ۱۳۶۹ خورشیدی.

سرلک [Sarlak]: نوازنده مشهور تار در اصفهان و همدوره با استاد جلیل شهناز و استاد حسن کسائی.

سرلک، پروین [Parvin Sarlak]: پروین سرلک در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در خانواده‌ای از لُرهای بختیاری بدنیا آمد. مادر او ملکه سرلک در شعر و ادبیات دست داشت و ویلن می‌نواخت، او شاگرد توران یاحقی بود. پروین سرلک در دوران ابتدائی به هنرستان موسیقی ملی به سرپرستی استاد روح‌الله خالقی رفت. او جزو هنرجویان دوره دوم هنرستان بود. او علاوه بر نوازندگی گوینده برنامه‌ها و سخنگوی هنرستان موسیقی ملی بود. پروین سرلک پس از پایان تحصیلات هنرستان به استخدام هنرهای زیبای کشور درآمد و از اعضای فعال و پایه‌گذار ارکستر بانوان بود. او اولین نوازنده زن قیچک می‌باشد. پروین سرلک سه سال پس از تأسیس تلویزیون ملی ایران برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و از مرکز تلویزیونی CETI، موفق به دریافت گواهینامه؛ تهیه و کارگردان تلویزیون آموزشی شد. او با استفاده از بورس دولت انگلیس به اسکاتلند رفت و در دانشکده تلویزیونی «تامسون» دوره مدیریت و کارگردانی را به پایان رساند. با افتتاح اپرای تهران (تالار رودکی) به عنوان سرپرست سازمان برنامه‌های ایرانی تالار برگزیده شد. او دبیرکل انجمن شاهنشاهی موسیقی ملی ایران بود. دفترکار این انجمن در تالار زمرد کاخ گلستان بود که با تغییر رژیم به انحلال کشیده شد. از پروین سرلک صدها برنامه هنری قابل ذکر است که از موفق‌ترین آنها اپرای پردیس و پریسا برای کودکان بوده است. داستان آپرا و طراحی صحنه از کارهای این هنرمند گرانقدر است. از کارهای ارزنده دیگر او: تابلو خیمه شب بازی و داستان و طراحی رقص معروف «رونما» می‌باشد.

پروین سرلک، سه بار موفق به دریافت نشان‌های تاج و همایونی شد، و جزو معدود زنان ایران است که نشان درجه ۱ آبادانی و پیشرفت را دارد. این هنرمند ارزشمند در حال حاضر در اورنج کانتی کالیفرنیا زندگی می‌کند.

سرمد، صادق [Sâdeq Sarmad]: از شعرا، غزل سرایان و ترانه سرایان معاصر که با جمال وفائی همکاری نزدیکی دارد.

سرمد کاشانی [Sarmad Kašāni]: سعیدای سرمد از شاعران شیفته سده یازدهم است. مدتی در محضر میرابوالقاسم فندرسکی و ملاصدرای شیرازی بود و سپس به هند رفت و در آنجا کشته شد (سال ۱۰۷۰ هجری). از این شاعر بیت ها و رباعی های گرم و پُر شور بسیاری باقی مانده است.

سر مست، حسن [Hasan Sarmast]: معلم موسیقی و سرود آموزش و پرورش کرمانشاه در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۵ خورشیدی.

سر مست عراقی [Sarmast Arāqi]: خواننده تصنیف، نی نواز و نوازنده مشهور ضرب در عهد قاجاریه.

سر مستی، یار مراد [Yār Morād Sarmasti]: نوازنده زبردست دوزله در صحنه کرمانشاه. یار مراد سر مستی در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در روستای جاور سینه بدنیا آمد. نواختن دوزله را نزد بابا کرم آموخت. این هنرمند بانواختن تنبور، سورنا و نی آشنائی کامل دارد. شغل اصلی یار مراد سر مستی در صحنه، آرایشگری است.

سُرنا [Sornā]: سازی است بادی که صدای وسیع و پُر طنین دارد. این ساز دارای ۷ تا ۸ سوراخ است و یک سوراخ نیز در پشت آن تعبیه شده است. جنس سُرنا از چوب آبنوس و یا از چوب فوفل میباشد. اندازه سُرنا در نقاط مختلف تفاوت دارد. سُرنا دارای دو زبانۀ مضاعف است. سُرنا، محفف کلمه سورنای میباشد.

سُرنا [Sornā]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوارکاست و CD های ایرانی در آمریکا. این شرکت در لس آنجلس قرار دارد.



سرناي بختياري [Sornāye Baxtiyāri]: سرناي بختياري كوچكتر از سرناي معمولي است. كپي آن بطول ۴۵ سانتي متر و قطر دهانه آن ۱۰ سانتي متر است. اين ساز در تهران در زمان جشن هاي ۲۵۰۰ ساله ساخته شد.

سرناي دزفولي [Sornāye Dezfuli]: اين سرنا كوچكتر از سرناي معمولي است و نظير سرناي بختياري در جشن هاي ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهي ساخته شد. طول كپي آن ۴۰ سانتي متر و قطر دهانه آن ۱۰ سانتي متر است.

سر وبستان [Sarve Bostān]: يكي از الحان موسيقي قديم ايران.

سرود [Sorud]: سازي است رشته اي مقيد از رده رباب. ساختمان اين ساز از قسمت هاي زير تشكيل شده است: يك مخروط ميان تهی که بخش پُر حجم آن محفظه طنيني ساز و بخش باريكتر آن، دسته ساز را تشكيل ميدهد. يك محفظه طنيني مدور هم زير محل گوشي هاي ساز تعبیه شده است. سرود داراي هشت سيم اصلي و شانزده سيم فرعي است. اين ساز برخلاف رباب، با مضراب نواخته ميشود. نام ديگر سرود، قيچك است.

سرود [Sorud]: از دوره مشروطيت، نوعي موسيقي، با كلام ساخته شده كه عمدتاً به وزن مارش است و اشعار وطني يا اخلاقي بر آن سروده اند. سرود به معني نغمه و آواز طرب انگيز كه چند نفر با هم مي خواند و نوعي از موسيقي محرك حماسي است، اطلاق ميشود.

سرود آذربايجان [Sorude Āzarbāyjān]: آواز جواد بديع زاده، ويلن خالدي و تاركاموسي. اين صفحه سرودي است كه به مناسبت باز پس گرفتن خاك آذربايجان (آذر ۱۳۲۵ خورشيدي) ساخته شد و در صفحه شماره ۸۲ - ۹۰۸۱ - ۱ كمپاني ناسيونال گرامافون بمبئي ضبط گرديد. اولين اجراي اين سرود در رشت بود.

سرود اميد [Sorude Omid]: از ساخته هاي استاد روح اله خالقي.

سرود اهل بخارا [Sorude Ahle Boxará]: از کهن ترین نمونه های شعر پارسی.

سرود ای ایران [Sorud Ey Iran]: ساخته روح اله خالق و با کلام حسین گل گلاب، زمانی ساخته شد که ایران توسط قوای نظامی بیگانه، اشغال شده بود (سال ۱۳۲۳ خورشیدی). لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر و نحوه اجرای این سرود به: ای ایران ای مرز پر گهر نگاه کنید.

سرود ای وطن [Sorud Ey-Vatan]: در مایه دشتی با صدای روح انگیز و استاد کلنل وزیری.

سرود بیا و خرم شو [Sorude Biyá va Xorram Šo]: ساخته عطااله جنگوک

سرود بهار آزادی [Sorude Baháre Āzādi]: ساخته عطااله جنگوک

سرود پارسی [Sorude Pársi]: از سرودهای قدیمی ایرانیان (پارسیان). از این گونه سرودها میتوان به گات های زرتشتیان و دیگر سرودهای باربد و نکیسا اشاره داشت.

سرود پایدار ایران [Sorude Páydár Iran]: از ساخته های استاد علی محمد خادم میثاق

سرود پسر ایران [Sorude Pesare Iran]: ساخته عطااله جنگوک

سرود پند سعدی [Sorude Pande Sawdi]: از کارهای زیبای استاد روح اله خالق

سرود پهلوی [Sorude Pahlavi]: به ترانه های پهلوی اطلاق میشود.

سرود پیام همبستگی [Sorude Payáme Hambastegi]: با شعر و آهنگ از شاعر گرانقدر پروین با وفا و صدای پوران آزاد و سارو، که در سال ۱۹۹۲ میلادی در لس آنجلس ساخته شد.

سرود جشن نوروز [Sorude Jašne Nouruz]: در دستگاه ماهور با صدای جواد بدیع زاده و کار دکتر نیر سینا. صفحه این سرود که توسط کمپانی ناسیونال گرامافون بمبی ضبط شده است، وجود دارد.

سرود جنگ و گریز [Sorude Jang-o-Goriz]: ساخته عطااله جنگوک

سرود حقوق بشر [Sorude Hquqe Bašar]: شعر و آهنگ از شاعر گرانقدر پروین باوفا با صدای یعقوب ظروفچی و پوران آزاد. این سرود در سال ۱۹۹۳ میلادی در لس آنجلس اجرا گردید.

سرود حقوق بشر [Sorude Hquqe Bašar]: از سروده های ابراهیم صفائی، آهنگ عبدالکریم مهرافشان.

سرود خاک ایران [Sorude Xáke Iran]: درماهور با صدای روح انگیز و استاد کلنل وزیری.

سرود خسروانی [Sorude Xosraváni]: سرود و ترانه خسروی

سرود دانائی توانائی [Sorude Dánawi Tavánawi]: از ساخته های استاد روح اله خالقی.

سرود ستایش شاه [Sorude Setāyeše Šáh]: ساخته علی محمد خادم مثیاق در سال ۱۳۲۰ خورشیدی.

سرود شادی [Sorude Šádi]: از ساخته های استاد روح اله خالقی.

سرود شام جهل، [Sorude Šame Jahl]: زینت نطق: این سرود در سال ۱۳۰۸ خورشیدی توسط کمپانی کلمبیا به روی صفحه، ضبط و عرضه شده است.

سرود شاهنشاهی [Sorude Šáhansáhi]: سرودی که سالیان دراز، پیش از نمایش هر فیلمی در سینماها پخش میشد. چند سال پیش از انقلاب ۵۷ پخش آن قطع گردید. سرود شاهنشاهی در حقیقت سرود ملی ایران در زمان زمامداری رضاشاه و محمدرضا پهلوی بود، که توسط سروان داود نجمی ساخته شد.

سرود، شرکت [Šerkat Sorude]: شرکت تولید نوآر و CD موسیقی ایرانی که سابقاً در گلندل لس آنجلس فعال بود و اینک تولیدی از آن مشاهده نمیشود.

سرود فرهنگ [Sorude Farhang]: از علی محمد خادم میثاق با شعری از سالک با اجرای ارکستر نوین که در چهارشنبه ۳۰ اردی بهشت ۱۳۲۱ خورشیدی از رادیو ایران پخش شد.

سرود قیام [Serude Gyām]: (فریاد سیاوش) ساخته عطااله جنگوک

سرود کارگر [Sorude Kārgar]: از ساخته های استاد روح اله خالقی

سرود کرکوی [Sorude Karkuy]: تنها سرود باقی مانده ایران از عهد ساسانی که اثری است ادبی با ابیاتی شش هجائی و با رعایت قافیه سروده شده است. این سرود به زبان لُری است. این سرود اولین بار توسط زنده یاد استاد عباس اقبال پژوهشگر نامی ایران در مجله کاوه روایت گردید.

سرود گلباران [Sorude Golbārān]: ساخته عطااله جنگوک

سرود مدرسه آمریکائی [Sorude Madraseye Āmrikāwi]: با ۵۰۰ شاگرد که صفحه این سرود توسط کمپانی کلمبیا به بازار ایران عرضه شده است.

سرود مرگ سیاوش [Sorude Marge Siyāvaš]: از سرودهای ایرانیان که در عزاهای بزرگ می خواندند.

سرود ملی [Sorude Melli]: در ماهر با صدای: ج. ص، ویلن، نوزاد و تار یحیی خان زر پنجه که سروده ملک الشعرا بهار بوده و توسط کمپانی کلمبیا ضبط گردیده است. زمان ضبط این صفحه ۱۳۱۰ خورشیدی است.

سرود ملی [Sorude Mili]: در ماهر با صدای خانم نیر اعظم رومی با شعر دکتر نیر سینا و اجرای ارکستر نوریانی که توسط کمپانی His Muster Voice ضبط گردیده است.

سرود ملی عصر ناصرالدین شاه [Sorude Melliye Asre Nāser-eddin Šāh]: که توسط ارکستر شاهی به رهبری مسیولومر فرانسوی اجرا و در صفحه‌ی شماره ۱۰۳۶۱ ضبط شده است. صفحه مذکور از صفحه‌های ۱۰ اینچی میباشد. این سرود در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۵۱ ساعت ۹/۵ شب از جنگ

رادیو ایران پخش شد.

سرود مهر شاه [Sorude Mehre Šāh]: ساخته علی محمد خادم مثیاق در سال ۱۳۲۰ خورشیدی.

سرود میهن [Sorude Mihan]: از ساخته های استاد روح اله خالقی.

سرود نیروی انتظامی [Sorude Niruye Entezāmi]: ساخته سرهنگ علی اکبر کردبچه، فرمانده موزیک شهربانی که در حال حاضر در تهران مشغول خدمت میباشد.

سرود نیکی [Sorude Niki]: از ساخته های استاد روح اله خالقی

سرود وطنی [Sorude Vatani]: سرودی قدیمی که توسط عبدالامیرخان خواننده شده و توسط کمپانی هیز مسترئیس بین سال های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۰ خورشیدی ضبط و پخش شده است.

سرودهای رزمی [Sorudhāye Razmi]: سرودهایی که بهنگام نبرد، برای تحریک و تشجیع بیشتر حماسه آفرینان بصورت جمعی خوانده میشود.

سرودهای رسمی [Sorudhāye Rasmi]: سرود های خاص مراسم رسمی، از جمله مراسم معمول در دربار پادشاهان در ایام سلام اعیاد.

سرودهای زرتشت [Sorudhāye Zartōšt]: به گات های زرتشت اطلاق میشود.

سرودهای مدارس [Sorudhāye Madāres]: به همت استاد علی نقی وزیری در سال ۱۳۱۲ خورشیدی. با اشعار حیدر علی کمالی، اجرا گردید. این سرودها همراه با اشعار میهنی و با الحانی که محرک روحیه ملی و میهنی در دانش آموزان میگردید، ساخته میشد.

سرود هنر [Sorude Honar]: از ساخته های استاد روح اله خالقی.

سرود هنرمندان [Sorude Honarmandàn]: از ساخته های استاد علی محمد خادم میثاق

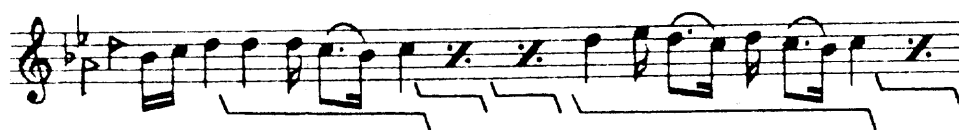
سرود هواپیمائی [Sorude Havápeymáwi]: ساخته فریدون فرزانه در سال ۱۳۲۰ خورشیدی.
سرود دیگری بهمین نام در این سال توسط ضیاء مختاری ساخته شد.

سرور، احمد [Ahmad Sorvr]: استاد و نوازنده مشهور تار در گلپایگان و همدوره استاد حسین قلمی در آن شهر.

سرورالملک، محمد صادق خان [Mohammad Sádeq-xán Sorur-olmolck]: موسیقیدان و نوازنده بی نظیر سنتور در زمان ناصرالدین شاه. از شاگردان ممتاز سرورالملک میتوان به استاد مشیر همایون شهردار اشاره داشت. سماع حضور نیز از شاگردان سرورالملک بود که در ابتداء با استاد خود ضرب می گرفت، و بعدها به مقام استادی رسید.

سرورالملکی [Sorur-olmolki]: از نغمات ردیف موسیقی ایران منسوب به محمد صادق خان، ملقب به سرورالملک.

سرورالملکی



سرور، حسین [Hoseyn Sorur]: حسین سرور در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او از ۹ سالگی به ساز ویلن علاقه پیدا کرد. از این رو به نزد هنرمندانی چون شهپر و رافع که در آن زمان کلاس درس آنها در دروازه دولت اصفهان بود رفت. سرور، ۱۲ سال با رادیو اصفهان همکاری کرد و پس از تأسیس تلویزیون اصفهان با این سازمان به همکاری پرداخت. همکاران حسین سرور عبارت بودند از: حسین خادمی (تار)، علی ولشانیان (نیم تاج) (خواننده) و عیسی رامشگر (بهنامیان) (ضرب).

سروژ [Serož]: آهنگساز فعال ساکن لس آنجلس که با اکثر هنرمندان خارج از کشور فعالیت مستمری دارد. از نمونه کارهای این آهنگساز، میتوان به ترانه: طپش قلب با صدای خواننده خوش صدا سارو اشاره داشت.

سروستان [Sarvestān]: از الحان سی گانه بارید. لحن دهم.

سروستاه [Sarvsetāh]: نام لحنی است در موسیقی دوره ساسانیان.

سروشهی [Sarve Sahi]: از الحان سی گانه بارید. لحن یازدهم.

سروش [Soruš]: گوشه ای است در دستگاه ماهور

سروش



سروش [Soruš]: نوازنده چیره دست ضرب در شیراز، در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۸ خورشیدی که همکاری نزدیکی با محمودی خوانساری داشت.

سروش اصفهانی [Soruše Esfehāni]: از شعرا و غزل سرایان معاصر ایران.

سروش [Soruš]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوارکاست و CD های ایرانی که در تهران فعالیت دارد.

سروش گیلانی [Soruš Gilāni]: شاعر مشهور گیلان که از او ترانه «اله تی تی» با صدای ناصر مسعودی و آهنگ مرتضی حنانه وجود دارد.

سروش، میرزا محمدعلی [Mirzā Mohammad Ali Soruś]: در سال ۱۲۲۸ هجری در اصفهان بدنیا آمد. او در ۲۹ سالگی اصفهان را ترک گفت و به تبریز رفت. در این شهر قهرمان میرزا و محسن میرزا، از شاهزادگان قاجار به حمایت او برخاستند تا به خدمت ولیعهد رسید. در سال ۱۲۶۴ هجری چون محمد شاه درگذشت، او در رکاب ناصرالدین شاه به تهران آمد و جزو خدام خاصه دربار شد. آثار سروش عبارت است از: قصاید، فتح نامه ها و مثنوی ها.

سرو، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Sarv]: از گروه های موسیقی فعال در تهران.

سروناز [Sarve Náz]: از الحان موسیقی قدیم ایران که به دیگر دوره ها راه نیافت.

سرهنک زاده، کورس [Kuros Sarhang-zāde]: خواننده خوش صدا و قدیمی و همدوره با اکبر گلپایگانی، ایرج و ناصر مسعودی. از کورس سرهنک زاده ترانه های بسیاری بجا مانده است از آن جمله، «چشمام» با شعر ماهدخت فجر، غربی، «شبگرد»، «افسانه زندگی»، «مستانه»، «اینم که هستم»، «آسمون» و شکسته دل و ترانه های بسیار دیگر.

کورس سرهنک زاده در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در پاریز سیرجان بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی خود را در بم و سیرجان به پایان برد و برای ادامه تحصیل به کرمان رفت. بعد به تهران آمد و وارد کار مطبوعات شد و سردبیری کیهان بچه ها را بعهده گرفت. کورس سرهنک زاده اولین آهنگی را که در رادیو اجرا کرد «غربی» نام داشت که آهنگی دشتستانی بود. کورس سرهنک زاده چون شبیه به زنده یاد داریوش رفیعی می خواند، مورد توجه مسئولین رادیو قرار گرفت. سرهنک زاده در سال ۱۳۳۸ با حبیب اله بدیعی آشنا شد و همکاری آن دو ۱۳ سال طول کشید.

سُری [Sori]: علامتی است در موسیقی ایرانی که صداهای طبیعی را ربع پرده بالا میبرد.

سریر، محمد [Mohammad Sarir]: محمد سریر، موسیقیدان و آهنگساز مشهور در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از کودکی بفرآگیری موسیقی نزد استاد های برجسته پرداخت. تحصیلات مقدماتی را در کنسرواتوار آزاد هنرستان موسیقی آغاز و در رشته موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد.

او دوره عالی آهنگسازی را در آکادمی موسیقی و هنرهای زیبای وین پایان رسانید. محمد سریر، ویلن را نزد حشمت سنجری، پیانو را نزد؛ لونا آلکالای و امانوئل ملیک اصلانیان و آهنگسازی را تحت نظر پروفیسور توماس کریستین داوید آموخت.

محمد سریر از سال ۱۳۴۵، کار آهنگسازی را در رادیو آغاز کرد و موسیقی ترانه های بسیاری از جمله «یاد اون روزها بخیر» «آرزوها»، «بیا بار سفر بندیم»، «باران» با «چشمان سیاه»، و عاشقانه با صدای محمد نوری از کارهای آن دوره این آهنگساز است.

محمد سریر در کار ساختن موزیک متن فیلم و سریالهای تلویزیونی نیز اشتها فراوان دارد. سریال های تلویزیونی و فیلم هایی که او برای آنها موزیک متن ساخته عبارتند از: خانه بدوش، تلخ و شیرین، چراغ خانه، فروشگاه، عاصی و نگاهی دیگر.

سزاوار، آرش [Áraš Sezavár]: آهنگساز و ترانه سرائی که از او آلبوم: آسمونی با صدای یاور اقتداری در دسترس میباشد.

سعادت، اصغر [Asqar Sawádat]: دکتر علی اصغر سعادت نوازنده چیره دست ویلن و از شاگردان استاد مهدی خالیدی در کلاس موسیقی صبا واقع در خیابان شاه آباد، کوچه ظهیرالاسلام در سالهای پیش از ۱۳۲۰ خورشیدی میباشد.

سعادت، تاتر [Teatre Sawádat]: در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در سرچشمه افتتاح و در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بسته شد.

سعادت مند قمی، حسین [Hoseyn Sawádatmande Gomi]: خواننده سرشناس و مشهور قدیمی و هم دوره با بهرام سیر. ناهید سرفراز و داریوش رفیعی. از این خواننده نوار آوازه ایش وجود دارد که جزو ۳۴ حلقه نواری است که در بایگانی هنرستان عالی موسیقی تهران نگهداری میشود. از سعادت مند قمی صفحاتی توسط کمپانی ادئون ضبط شده که آنها نیز وجود دارند.

سعد بهاء [Baháw Sawd]: سعدالدین بن بهالدین از شاعران سده هشتم هجری است. از این شاعر، اشعار کمی در دست است.

سعدی، تاتر [Teàtre Sawdi]: تاتر سعدی در سال ۱۳۲۴ به همت آقای عمویی در خیابان شاه آباد افتتاح شد. سرپرست این تاتر، هنرمند توانای ایران، خانم؛ لرتا بودند. این تاتر قدیمی تهران که در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به آتش کشیده شد، مکانی بود برای عرضه هنر موسیقی و نمایش.

سعدی، شیخ مصلح الدین [Seyx Mosleh-eddin Sawdi]: سعدی، بعد از فردوسی، بزرگترین شاعری است که در قلمرو شعر فارسی ظهور کرده است. سال ولادت این شاعر گرانقدر ۶۰۶ هجری بوده است. او در شیراز ولادت یافت و در کودکی یتیم شد. مقدمات علوم را در شیراز فرا گرفت و سپس به بغداد رفت (۶۲۰ - ۶۲۱ هجری) او در مدرسه نظامیه به تحصیل پرداخت. سعدی در سال ۶۵۵ به شیراز بازگشت، و در سال ۶۹۰ هجری چشم از جهان فرو بست. از سعدی، دو دسته آثار منظوم و آثار منثور (نثر) بجا مانده است. در راس آثار منظوم: بوستان سعدی قرار دارد. و در راس آثار منثور؛ گلستان. قصائد عربی، قصائد فارسی، مراثی، ملمعات و مثلثات، ترجیعات، طبیات، خواتیم، غزل قدیم، صاجیه و... نمونه هائی از آثار منظوم این شاعر است.

سعید [Sawid]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که در چند سال گذشته از او فعالیتی مشاهده نشده است. از ترانه هائی که توسط این خواننده اجرا شده میتوان به: لیلا، قمار زندگی، درد دل، قصه دل، ظالم بلا، چشم سیاه اشاره داشت.

سعید [Sawid]: خواننده‌ای که از او محدود ترانه هائی در لس آنجلس ضبط و پخش شده است. مستی و راستی، ترانه مشهور این خواننده است. دو خواننده با نام تنهای «سعید» در لس آنجلس فعالیت داشته و دارند.

سعید الواعظین، یحیی [Yahya Sawid-olvawezin]: خواننده مذهبی که اطلاعات موسیقی داشت. سعید الواعظین، دائی هنرمند گرانقدر، زنده یاد جواد بدیع زاده است که در سالهای پیش و بعد از ۱۲۸۰ خورشیدی فعالیت داشته است.

سعید بن مسجع [Sawid ebn Mosajaw]: نخستین کسی است که موسیقی ایرانی را از فارسی به عربی در آورده است. او در کنار ایرانیانی که دست اندر کار بنای مسجد الحرام بودند و آواز می خواندند،

می‌گذشت، و آواز خواندنشان را می‌شنید و آنرا به عربی در می‌آورد.

سعید طائی [Sawid Tāwi]: از شاعران آل سلجوق در نیمه دوم سده ششم هجری است که در قصیده سرائی مهارت بسزائی داشته است.

سعید، محمد [Mohammad Sawid]: محمد سعید در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدر او از نی نوازان معروف دهه ۱۳۳۰ بود. محمد از کودکی با گلدانی، تنبکی برای خود ساخته بود و با همین تنبک دست ساز خودش توانست ریتم های مشکل را بنوازد. او در دوران دبیرستان به ویلن روی آورد و به دانشسرای هنر رفت. او در کلاس محمد بهارلو که از شاگردان ممتاز استاد ابوالحسن صبا بود، به فراگیری ویلن پرداخت. محمد سعید علاوه بر ویلن، در نواختن سازهای دیگر نظیر: ضرب، سنتور، فلوت، کلارینت، تار و پیانو نیز مهارت دارد.

سعید هروی [Sawid Heravi]: خواجه سعیدالدین هروی متخلص به سعید از شاعران نامدار سده هفتم و هشتم هجریست. او در خراسان بدنیا آمده و در همانجا به تحصیل پرداخته است. وفات این شاعر در سال ۷۱۴ هجری اتفاق افتاده است. دیوان قصاید این شاعر بالغ بر ده هزار بیت دارد.

سعیدی، عباس علی [Abbās-Ali Sawidi]: از تعزیه خوانهای معروف اصفهان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی.

سعیدی، محمد تقی [Mohammad Taqi Sawidi]: محمد تقی سعیدی، نوازنده چیره دست سه تار، در سال ۱۳۳۱ در اصفهان بدنیا آمد. آواز را از پدرش عباسعلی سعیدی آموخت و فراگیری ردیف و گوشه های موسیقی را ابتداء نزد زنده یاد علی آقائیم تاج اصفهانی و سپس در مکتب زنده یاد جلال تاج اصفهانی ادامه داد و پس از ۶ سال، نزد استاد حسن کسائی رفت و نواختن سه تار را آغاز کرد. آموختن سه تار نزد استاد، چهارده سال طول کشید. سعیدی از سال ۱۳۵۴ خورشیدی همکاری خود را با رادیو تلویزیون آغاز کرد و در همین زمان به آموختن و نواختن تار پرداخت. محمد تقی سعیدی، سرپرست یکی از شعب بانک رفاه کارگران اصفهان است.

سعیدی، ملیحه [Malihe Sawidi]: نوازنده توانای ساز قانون که نامش در کنار بزرگان این هنر نظیر:

رحیم قانونی، جلال قانونی، مهدی مفتاح و سیمین آقارضی قرار دارد. ملیحه سعیدی، از شاگردان ممتاز استاد مهدی مفتاح است که این هنرمند گرانقدر، نخستین هنرمندی است که تعلیم قانون را در هنرستان عالی موسیقی آغاز کرد.

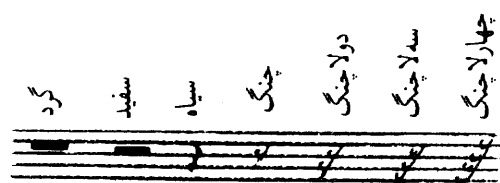
سفید [Sefid]: به یک دوم واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت نت (اگر واحد، گرد فرض شود) اطلاق میشود.

سقاباشی، اسداله [Asad-olláh Saqá-báši]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

سقائی رضا [Rezâ Saqqâwi]: خواننده مشهور ترانه های لُری در پیش از انقلاب.

سکستوله [Sextole]: از تقسیمات نت در موسیقی (شش برچهار).

سکوت [Sokut]: برابرکشش اصوات موسیقی، علاماتی بکار میرود که سکوت نام دارد، که به منظور جدا کردن صداها از یکدیگر بکار میروند. سکوت انواع مختلف دارد: سکوت گرد مضاعف (با ارزش معادل دو برابر گرد). سکوت گرد، سکوت سفید، سکوت سیاه، سکوت چنگ، سکوت دولا چنگ، سکوت سه لا چنگ، سکوت چهار لا چنگ و سکوت های طولانی که بوسیله مستطیل افقی مشخص میشوند که عددی برای آن قرار میدهند که هدف تعداد میزانهای سکوت دار است.



سکینه خانم [Sakine Xânom]: از خوانندگان تصنیف در دوران ناصری که افتخار شاگردی استاد: آقا علی اکبر، معلم آقا حسین قلی معروف را داشت. سکینه خانم از اهالی اصفهان و زن چهل و نهم فتح علی شاه قاجار بود. او قبل از آنکه زن فتح علی شاه شود، زن آقا حسین قلی بود. سکینه خانم، فرزندان خود، بهرام میرزا و هرمز میرزا را با موسیقی آشنا کرد.

سل [Sol]: یکی از هفت نت موسیقی. در سیستم آمریکائی - انگلیسی و آلمانی سل را G می‌نویسند.



سلام شاهی [Salame Šahi]: نخستین آهنگ سلام شاهی در ایران که توسط مسیو لومر فرانسوی ساخته شد و در مدرسه موزیک دارالفنون، اجرا گردید. این آهنگ بر روی صفحه ضبط شده است.

سلبان [Salbán]: از آلات زهی قدیمی دارای ۲۴ سیم.

سل بمل [Sol bemol]: نیم پرده کمتر از صدای اصلی سل.

سل بمل بزرگ [Sol Bemole Bozorg]: گام بزرگ سل بمل که در آن کلیه نت‌ها به جز نت فا، بمل است.

سل دیز [Sole Diyez]: سل با نیم پرده کرماتیک بیشتر از صوت اصلی. نام دیگر آن لا بمل است.

سلستا [Slestà]: سازی است مانند پیانو با کلاویه ای از جنس فولاد و چکش کوچک فلزی که در سال ۱۸۸۶ میلادی توسط موستل (Mustel) در پاریس اختراع شد.

سلسله جو، افشین [Afšín Selseleju]: افشین سلسله جو در سال ۱۳۵۰ در تهران بدنیا آمد او در سال ۱۳۶۶ به هنرستان عالی موسیقی رفت و به فراگیری و نواختن ساز ویلن آلتو پرداخت. او در کنار ویلن آلتو، یادگیری ساز عود را نزد استاد حسن منوچهری نیز آغاز کرد. افشین سلسله جو در حال حاضر با گروه موسیقی مشتاق همکاری دارد.

سلطان ابراهیم خان [Soltán Ebrāhim-xán]: خواننده مشهور عهد قاجاریه که از او صفحات ۲۵ سانتی متری وجود دارد. از تصنیف‌های معروف او میتوان به: می رود، نمی رود با همکاری دسته موزیک اعتضادیه اشاره داشت.

سلطان خانم [Soltán Xânom]: تصنیف ساز دوران ناصری که از او تصنیف معروف بتابتا باقی مانده است. سلطان خانم، تار و سه تار بسیار زیبا می نواخته است.

سلطان محمد تنبوره‌ای [Soltán Mohammad Tanburewi]: نوازنده چیره دست تنبور در دوران صفویه.

سلطان محمد چنگی [Soltán Mohammad Cangî]: نوازنده چیره دست چنگ در دوران صفویه.

سلطان ولد [Soltán-valad]: بهاء‌الدین محمد، معروف به سلطان ولد و متخلص به ولد در سال ۶۲۳ هجری در لارنده قونیه بدنیا آمد. مادرش گوهر خاتون و پدرش جلال‌الدین محمد مولوی است. وقتی مولانا جلال‌الدین بدورد زندگی گفت (۶۷۲ هجری) او ۵۰ سال داشت و پس از او بمدت ۳۰ سال به مسند خلافت مولوی مستقر تا اینکه در سال ۷۱۲ در حدود ۹۰ سالگی در قونیه درگذشت و پهلوی پدر بخاک سپرده شد. از این شاعر گرانقدر دیوان قصائد، غزلها و رباعیات بجا مانده است، که نسخه چاپی آن ۱۲۷۱۹ بیت دارد، که همه آنها با پیروی از روش مولوی است. ولد نامه او شامل مثنوی های سه گانه اوست.

سلطانی، ایرج [Iraj Soltáni]: از نوازندگان معروف نی در استان فارس که از هنر آهنگسازی نیز برخوردار است.

سلطانی، خسرو [Xosrou Soltáni]: نوازنده چیره دست سرنای بلند، سرنای کوتاه و کرنا و از همکاران نزدیک استاد حسین علیزاده.

سلطانی، عباس [Abbás Soltáni]: نوازنده چیره دست تنبک در پیش از انقلاب و همدوره با حسن زمانی، اکبر قهرمانان و نصرت جانان.

سلطانی، قربان علی [Gorbán-Ali Soltáni]: از سازندگان معروف سازهای اصیل ایرانی که در تهران فعالیت دارد.

سلطانی، منوچهر [Manucehre Soltāni]: از آهنگسازان قدیمی که سالها با برنامه گلهای رادیو ایران همکاری مستمری داشت. منوچهر سلطانی با هنرمندانی چون: مجید وفادار و زنده یاد عبدالحسین برازنده همدوره بود. او در اصفهان در سالهای پیش و پس از ۱۳۲۵ همکاری نزدیکی با استاد حسن کسائی و استاد جلیل شهناز داشت.

سلطانی نسب، ابوالقاسم [Abol-gāsem Soltāni-nasab]: نوازنده چیره دست ویلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۷ خورشیدی و همدوره با ابراهیم سلمکی، غلام علی باشوکی، سیروس فرصت و عباس تهرانی (تاش).

سلفژ [Solfež]: در فارسی معادل سلفژ عبارت است از: تعلیم گوش و نت خوانی که همانا: بالا بردن قدرت حس شنوایی، خواندن و نوشتن نت های موسیقی و تشخیص عوامل سازنده موسیقی از قبیل ریتم، نوا، هارمونی، ارکستراسیون و رابط میان آنها میباشد. سلفژ کلمه ای است فرانسوی که از ریشه ایتالیائی *Soifeggio* گرفته شده است.

سل مازور [Sole Mázur]: گام سل بزرگ دارای یک دیز (فادیز).

سلمان ساوجی [Salmán Sávoji]: ملک الشعرا خواجه جمال الدین محمد ساوجی معروف به سلیمان ساوجی که در شعر، سلمان، تخلص میکرد، در سال ۷۰۹ هجری در شهر ساوه بدنیا آمد. ظهورش در شعر در اواخر عهد ایلخانان (۷۳۶ هجری) بود. در مجموع اشعار سلمان بحدود یازده هزار بیت از قصیده، غزل، قطعه، ترجیع ترکیب رباعی و مثنوی میرسد.

سلمک [Salmak]: گوشه ای است در دستگاه شور و نام آوازیست از جمله ۶ آواز مورد بحث کتب قدیم موسیقی. ۶ آواز مورد بحث عبارت بودند از: شهناز، کردانیه، گوشت، مایه، نوروز و سلمک. بجای مایه و کردانیه، زرکشی و حجاز نیز آورده اند.



سلمکی، ابراهیم [Ebrāhim Salmaki]: آهنگساز مشهور قدیمی که سالها با هنرمندان مشهور دهه ۱۳۲۰ نظیر قاسم جبلی همکاری نزدیک داشت. «امواج کارون» ترانه بجا ماندنی که توسط جبلی و حسن کامکار خوانده شد از نمونه کارهای این هنرمند گرانقدر است. ابراهیم سلمکی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در تهران، محله سنگلج بدنیا آمد. از ۵ سالگی فراگیری و نواختن سنتور را آغاز کرد.

این هنرمند گرانقدر، روی سنتور، ناله سیم را ابداع کرد، و تغییرات اساسی در این ساز بوجود آورد. او توانست، صداهای مختلف عود، قانون، تار، سه تار، و پیانو را از سنتور، بیرون آورد. ابراهیم سلمکی در کنار سنتور استاد نواختن ویلن نیز میباشد. او بیش از ۱۵۰ آهنگ برای خوانندگان مختلف ساخته است.

سلمکی، کارون [Kārun Salmaki]: کارون سلمکی، پسر هنرمند گرانقدر ابراهیم سلمکی در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. نواختن سنتور را از پدر فراگرفت و سپس به هنرستان عالی موسیقی رفت. او قادر است کلیه سازها، به غیر از سازهای بادی را بخوبی بنوازد. ولی ساز تخصصی او سنتور میباشد.

سلمکی، محمد رفیع السلطان [Mohammad Rafi-w-o-Soltān Salmaki]: محمد رفیع سلمکی در سال ۱۲۷۰ در تهران بدنیا آمد. از کودکی تحت نظر استادان بزرگ آن زمان، سماع حضور و اسماعیل خان کمانچه کش قرار گرفت.

محمد رفیع سلمکی، پس از چندی وارد خدمت ارتش شد و تا درجه میرپنجی رسید. آوازه سنتور نوازی او بگوش ناصرالدین شاه رسید و شاه او را به دربار خواست تا نوازنده درباری شود. روزی محمد رفیع السلطان، گوشه سلمک را در دستگاه شور آنچنان اجرا کرد که شاه به او لقب سلمکی داد. از شاگردان برجسته محمد رفیع السلطان سلمکی به غیر از پسرش، استاد ابراهیم سلمکی، میتوان به ذکرا له میثاقیان و سرهنگ شب پره اشاره داشت. این هنرمند گرانقدر در سال ۱۳۲۸ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

سل مینور [Sol Minor]: گام سل کوچک.

سلو [Solo]: تک نوازی، تک خوانی.

سلی [Soli]: خواننده خوش صدا و قدیمی که از هیكل تنومند برخوردار بود و سبک خواندن خاص

خود را داشت. از این خواننده ترانه های بسیاری بجا مانده که اکثراً بصورت کلاسیک درآمده اند. برخی از ترانه های ماندگار او عبارتند از: تصویر یک فصل، حال که دیوانه شدم، ستاره، بانوی شهر آواز، نسیم یار، دیوار شکسته، بهت نگفتم، شادی، زندگی دوباره، هستم، گل سیب، صدف، نگار و حمدی فیل.

سلیمان پور، شکراله [Šokr-olláh Solaymán-pur]: شکراله سلیمان پور در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در امامزاده یحیی تهران بدنیا آمد. او از ۶ سالگی به نواختن ضرب پرداخت، پس از ضرب، ساز دهنی را انتخاب کرد تا اینکه در سال ۱۳۳۰ با خرید ویلن، شروع به نواختن این ساز نمود. با راهنمایی پدرش نزد استاد اکبر محسنی که در آن زمان منزلش در چهارصد دستگاه نیروی هوایی بود رفت و تحت نظر او به فراگیری اصولی ویلن پرداخت. در سال ۱۳۴۰، سلیمان پور، همکاری خود را با هنرمندانی چون سلیمان اکبری، با شوکی، قراب و امیر بیداریان شروع کرد. شکراله سلیمان پور، آهنگسازی است که آهنگهای بسیاری برای؛ اکبر گلپایگانی، ایرج، بهرام گودرزی و عبدالعلی همایون ساخته است.

سلیمان خان ارمنی [Soleymán-xán Armani]: از افسران موزیک در زمان سالار معزز و یکی از استاد های علی نقی وزیری که البته اطلاعات چندانی به این موسیقیدان گرانقدر انتقال نداد. از دیگر هنرمندانی که نزد سلیمان خان نت آموخت و پیانو فراگرفت، استاد حسین سنجری بود. سلیمان خان، از اولین و بهترین شاگردان لومر فرانسوی بشمار میرود. وی قره نی میزد ولی در تعلیم تمام آلات موسیقی بادی دست داشت، او پیانو هم میزد. او بعدها، رئیس موزیک عبدالحسین میرزای فرمانفرما شد. دستیاران او در امر موزیک عبارت بودند از: انوشیروان میرزا، عبدالرحیم خان و حشمت دیوان. او مدتها، رئیس موزیک گارد سلطنتی بود. سلیمان خان ارمنی، فرزندی داشت بنام اصلا ن خان که به کار ساخت و تعمیر آلات موسیقی می پرداخت و سالها در خیابان فردوسی مغازه داشت.

سلیمان خان اصفهانی [Soleymán-xán Esfehání]: زنده یاد سلیمان خان اصفهانی، نوازنده چیره دست کمانچه و از همکاران نزدیک استاد تاج اصفهانی است. سلیمان خان اصفهانی، در نواختن نی نیز مهارت بسیاری داشته است.

سلیمانیان، علی نظر [Ali-nazar Soleymányán]: از صنعتگران ماهر در امر ساخت سازهای

اصیل ایرانی که در تهران فعالیت دارد.

سلیمانی، حاج قربان [Hāj-Gorbān Soleymāni]: نوازنده چیره دست دو تار در خراسان.

سلیمانی، عباس [Abbās Soleymāni]: استاد و نوازنده مشهور ویلن و همدوره با حسن یوسف زمانی و نادر دلجو در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی.

سلیمانی، علیرضا [Ali-Rezā Soleymāni]: علیرضا سلیمانی نوازنده زیردست دو تار در خراسان و فرزند استاد حاج قربان سلیمانی، در سال ۱۳۲۶ خورشیدی بدنیا آمد. او ادامه دهنده شیوه و راه پدرش در دو تار نوازی است.

سلیمانی، قربان [Gorbān Soleymāni]: نوازنده چیره دست دو تار که در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در روستای علی آباد قوچان بدنیا آمد. پدرش کربلانی رمضان نیز از نوازندگان چیره دست دو تار در شمال خراسان بشمار میرفت. نخستین معلم او پدرش بود و پس از فوت پدر، نزد غلامحسین بخشی جعفرآبادی، حاج محمد بخشی قیطاقی و عوض بخشی به فراگیری موسیقی پرداخت. او سالها دست به دو تار نزد اینک در سال ۱۳۶۴ بار دیگر به موسیقی روی آورد. قربان سلیمانی، اکنون مسن ترین بخشی شمال خراسان است. شیوه او در نواختن، یادآور شیوه غلامحسین بخشی جعفرآبادی است.

سلیم پور، کیومرث [Kyumars Salim-pur]: از آهنگ سازان فعال و مشهور پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با خانم رامش داشت.

سلیم تهرانی [Salim Tehrāni]: میرزا محمد تقی سلیم طرشتی تهرانی از شاعران نیمه اول سده یازدهم هجری است. نخستین روزگار شاعری او در لاهیجان گذشت. چند سالی در اواخر عهد شاه عباس اول و آغاز دوران شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲) در اصفهان بسر برد. بعدها به هندوستان رفت و در سال ۱۰۵۷ هجری در کشمیر چشم از جهان فرو بست. دیوان این شاعر بالغ بر ۹ هزار بیت دارد، که در سال ۱۳۴۹ در تهران بچاپ رسید.

سلیم زاده، سونیا [Soniā Salimzāde]: مسئول آرشیو موزیک رادیو ایران در زمان تاسیس (۱۳۲۰)

خورشیدی).

سلیم فرزانه، کلاس موسیقی [Kelāse Musiqiye Salim-Farzān]: واقع در خیابان سلسبیل تهران در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵ خورشیدی.

سلیمی تبار، اکبر [Akbar Salimi-tabār]: اکبر سلیمی تبار در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۱۹ در هنرستان عالی موسیقی ثبت نام کرد و به تحصیل این هنر پرداخت، او بعدها وارد دانشسرا شده و در سال ۱۳۳۶ در آموزش هنری وزارت فرهنگ و هنر با سمت هنرآموز سرود استخدام میشود.

اکبر سلیمی تبار از سال ۱۳۴۱ به موجب ابلاغ اداره انتشارات و رادیو در ارکستر گلهای رادیو به عنوان نوازنده قره‌نی هم مشغول کار میشود. او سالها در ارکستر حیدری و مهرافشان به نوازندگی پرداخت. این هنرمند ارزنده در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و اینک به تعلیم و تدریس خصوصی می پردازد.

سلیمی تبار، امیر [Amir Salimi-tabār]: امیر سلیمی تبار در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او نظیر برادران خود به موسیقی علاقه وافر داشت. در کودکی نواختن ترومپت را نزد برادر خود علی سلیمی تبار آغاز کرد و در سال ۱۳۲۱ خورشیدی به دسته موزیک لشگر ۱ رفت و تا سال ۱۳۲۹ دوره عالی موزیک ارتش را دید. او در سال ۱۳۳۶ بنا به دعوت عبدالله جهان پناه به رادیو رفت. او بعدها از فعالین ضبط آهنگهای فیلم های فارسی شد. امیر سلیمی تبار در سال ۱۳۵۴ رهبر دسته موزیک پیش آهنگی بود که پس از انقلاب این سازمان منحل گردید.

سلیمی تبار، علی [Ali Salimi-tabār]: علی سلیمی تبار در سال ۱۲۹۹ در حسن آباد تهران بدنیا آمد. از سیزده سالگی بنا به تشویق برادر بزرگ خود، سلیم فرزانه به دسته موزیک ارتش رفت و در لشگر ۱ نزد استادهائی چون: اسماعیل پور شادی، تقی عبدالعلی و مهدی ابوالقاسمی به فراگیری موزیک پرداخت. او بعدها به رهبری دسته موزیک لشگر ۱ رسید و از سال ۱۳۲۷ خورشیدی همکاری خود را با ارکستر مجید وفادار آغاز کرد.

سلیمی، حسن [Hasan Salimi]: ترانه سرای معروف معاصر که همکاری نزدیکی با زنده یاد استاد مهدی خالدی داشت. از حسن سلیمی ترانه: شوق پروانه با صدای خانم سیما بینا قابل ذکر است.

سلیمی، حسن علی [Hasan Ali Salimi]: نوازنده ارگ در جیحون آباد کرمانشاه، و متولد سال ۱۳۵۴ خورشیدی.

سلیمی، علی [Ali Salimi]: نوازنده چیره دست تار در آذربایجان و همدوره با محمد علی نجد بنائی و آساطور صفریان. علی سلیمی از صدای خوبی نیز برخوردار است. علی سلیمی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در باکو به دنیا آمد. از ۸ سالگی آموزش موسیقی را نزد نوازنده معروف باکو «احمد باکیخانف» آغاز کرد. او در آموزشگاه های مختلف باکو به فراگیری موسیقی پرداخت و به عضویت ارکستر ملی آذربایجان درآمد. علی سلیمی در سال ۱۹۳۸ میلادی به ایران مهاجرت کرد و در تهران مسئول ارکستر آذربایجانی رادیو بود. همزمان با رهبری ارکستر آذربایجانی، نزد استاد حسین ناصحی تهرانی به فراگیری مبانی آهنگسازی پرداخت. علی سلیمی چهره ای شناخته شده در آنسوی مرزهای ایران است.

سلیمی، فرهاد [Farhad Salimi]: عاشیق فرهاد سلیمی از بزرگترین عاشیق های آذربایجان غربی است که در سال ۱۳۴۴ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. عاشیق فرهاد سلیمی، شاگردان مشهوری چون عاشیق دهقان، عاشیق یوسف اوهانس و عاشیق درویش را تربیت کرده است.

سلیمی نژاد، مرتضی [Morteza Salimi-nezad]: نوازنده چیره دست سنتور که در مشهد فعالیت دارد.

سماع [Samaw]: به خانقاه های صوفیه که در آنجا به دست افشانی و پایکوبی و خواندن آوازهای عرفانی می پرداختند، اطلاق میشود. سماع در زبان فارسی به معنی خاص؛ سرود شنیدن و هم چنین آواز خوش که لذت آور باشد، میباشد.

سماع حضور [Samaw Hozur]: زنده یاد میرزا حبیب سماع حضور فرزند میرزا غلام حسین نوازنده چیره دست کمانچه که ساز مجلس آرا را اختراع نمود یکی از اساتید مسلم فن سنتور، بعد از محمد صادق خان سنتوری معروف است. سماع که پدر زنده یاد حبیب سماعی است، علاوه بر داشتن هنر موسیقی یکی از پهلوانان زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود.

سماع حضور در اوایل عمر، زیر دست آقا محمد صادق خان به گرفتن ضرب و خواندن تصنیف در دربار قاجار مشغول بود و بعد به آموختن سنتور روی آورد و پس از مرگ استاد، محمد صادق خان، اولین

موزیسین در ایران شد. بیشتر موسیقیدانهای مشهور از شاگردان سماع حضور هستند. سماع حضور دارای ۶ فرزند، سه پسر به نامهای: حبیب‌اله، محبوب و محب علی و سه دختر بنام‌های حبیب‌الملوک، محبوب‌الملوک و محب‌الملوک بود که تمامی دارای صدای خوب و ذوق موسیقی بودند. پسرها تا پایان عمر، تمامی در خدمت ارتش بودند. اجداد خانواده سماع حضور از طایفه کریم خان زند بوده و از این جهت نام خانوادگی کریمی را دارا بوده‌اند. او لقب سماع حضور را بخاطر موسیقی و شجاع‌الملک را بخاطر ورزش از ناصرالدین شاه دریافت کرد. سماع حضور به شاگردانش: آقا جان اول، تقی خان و حاجی خان عین‌الدوله ضرب آموخت. او در سلسله درویشی از فقرای نعمت‌الهی بود و همراه با صدای سازش آواز می‌خواند و راک نمونه‌ای از سنتور و آواز اوست که بر روی لوله فونوگراف ضبط شده است.

سماع حضور در دهه اول ۱۳۰۰ خورشیدی چشم از جهان فرو بست و قبر او در نیشابور میباشد.

سماعی، حبیب [Habib Samāwi]: حبیب سماعی، فرزند استاد سماع حضور در سال ۱۲۸۰ خورشیدی بدنیا آمد. آموزش موسیقی را نزد پدرش در سن ۴ سالگی آغاز کرد و بعدها، جانشین مقام والای پدر گردید. از این هنرمند ارزنده صفحاتی بجا مانده است. حبیب سماعی، از چهار سالگی وقتی پدرش سنتور میزد، او ضرب می‌گرفت و چون نمی‌توانست ضرب را بغل گیرد، آنرا روی بالش می‌گذاشت. او یکی از مهمترین مبانی موسیقی، یعنی وزن را در کودکی آموخت. او در ۶ سالگی با مهارت بسیار سنتور پدر را با ضرب همراهی می‌کرد. در ده سالگی، ساز او مورد تأیید اساتید فن، نظیر: نایب اسداله و میرزا حسین قلی قرار گرفت و او در ۱۲ سالگی، ساز خود را با استادان معروف آن زمان کوک می‌کرد و می‌نواخت. حبیب سماعی مدت زمان کوتاهی در مدرسه موزیک سالار معز به تحصیل موسیقی پرداخت و بابت خوانی آشنا شد ولی هیچگاه از آن برای ضبط آهنگ‌های خود استفاده نکرد. حبیب سماعی علاوه بر سنتور و ضرب با نواختن سه تار و ارگ دستی هم آشنا بود در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، چند صفحه موسیقی با پروانه پُر کرد و این تنها اثری است که از او باقی‌مانده است. و وضع زندگی پروانه و مرگ جان‌گداز او در جوانی بعلت بیماری سل و کیفیت صوت مؤثر و غم‌انگیز این خواننده و سنتور حبیب که در این صفحات ضبط شده، موجب تأثیر بسیاری در شهرت این صفحات شده است. در تهران حبیب سماعی با راهنمایی دوست هنرمند خود، استاد ابوالحسن صبا، کلاس تعلیم سنتور افتتاح کرد.

از میان شاگردان سماعی، تنها سه تن بنامهای: مهندس قباد ظفر، مرتضی عبدالرسولی و نورعلی خان برومند حوصله بخرج داده و در کلاس درس او ماندگار شدند. حبیب سماعی از اردیبهشت ۱۳۱۹

خورشیدی همکاری خود را با رادیو ایران آغاز کرد. او با قمرالملوک وزیری ساز میزد و بعدها ترجیح داد که برنامه های انفرادی داشته باشد.

از آن زمان یک نوار توسط مهندس زاهدی پُر شده بود که متأسفانه پس از مرگ او، توسط بازماندگانش برای مصرف دیگری پاک شد. حبیب سماعی از اعضاء مؤسس انجمن موسیقی ملی است. سماعی از ازدواج اوّل خود صاحب دختری بود بنام توران و از همسر دوّم خود صاحب پسری بنام منوچهر که جان خود را در شغل چتربازی از دست داد. سوّمین همسر سماعی خدیجه نام دارد که دختر سراج الملک است.

حبیب سماعی در بهمن ۱۳۲۴ خورشیدی مبتلا به ذات‌الریه شد و در پنجشنبه بیستم تیرماه ۱۳۲۵ خورشیدی در سن ۴۱ سالگی چشم از جهان فرو بست. قبر این هنرمند گرانقدر در قبرستان ظهیرالدوله شمیران است.

سماعی، گروه موسیقی سنتی [Gruhe Musiqiye Samâwi Sonnatî]: به سرپرست هنرمند گرانقدر بهناز ذاکری.

سماک باشی، محمد [Mohammad Samâk-Bâši]: از صدا برداران با تجربه رادیو و تلویزیون ایران که صدا برداری فیلم های سینمایی نظیر:

پرنده کوچک خوشبختی، راز کوب، مسافران، جیب برها و عبور از غبار را بعهده داشت. محمد سماک باشی از سال ۱۳۵۲ خورشیدی با سازمان رادیو تلویزیون ایران همکاری دارد.

سماواتی، جمال [Jamâl Samâvâti]: استاد و نوازنده مشهور تار و همدوره با هوشنگ ظریف و حسین علیزاده.

سماوی، کریم [Karim Samâvi]: از هنرمندان تاتراصفهان در سال های پیش و بعد از ۱۳۳۴ خورشیدی که به کسوت خوانندگی روی آورد.

سمائی [Samâwi]: محمود بن علی سمائی مروزی از شاعران بزرگ عهد سلجوقی است که در نیمه دوم سده ششم میزیسته است. غزلهای این شاعر بسیار معروف است.

سمبال [Sambál]: سنج یا چلب را گویند، لطفاً به چلب یا سنج نگاه کنید.

سمسار، روح اله [Ruh-olláh Semsár]: مشهدی روح اله سمسار خواننده مشهور عهد قاجاریه که از او صفحاتی ۲۵ سانتی متری با تار میرزا اسداله وجود دارد.

سَمَلی [Samali]: گوشه ای است در آواز دشتی که قبل یا بعد از کوچه باغی ذکر شده است.



سمندر، بیژن [Bijan Samandar]: ترانه سرای مشهور معاصر که در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند. بیژن سمندر در کنار ترانه سرائی به آهنگسازی و نوازندگی نیز اشتغال دارد. این هنرمند

گرائقدر با اکثر خوانندگان ساکن کالیفرنیا، همکاری نزدیکی دارد.

سمندر، سیروس [Sirus Samandar]: نوازنده چیره دست فلوت و همدوره و همکار با؛ منوچهر بحری نوازنده ویلن که در شیراز فعالیت دارد.

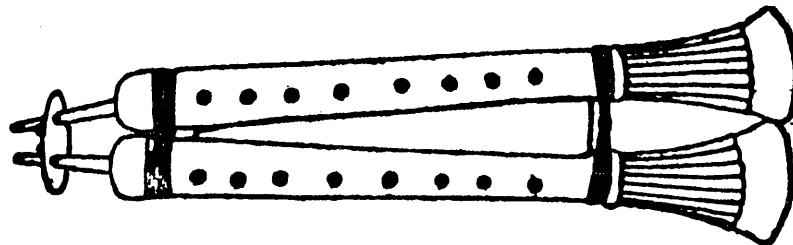
سمندری، ماجرا [Majrâ Samandari]: از هنرجویان ممتاز بورس تحصیل هنرستان عالی موسیقی در سال ۱۳۴۶ که به بروکسل اعزام شد.

سمیعی، علی اشرف [Ali Ašraf Samiwi]: علی اشرف سمیعی از شاگردان ممتاز استاد ابوالحسن صبا، در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سن ۱۸ سالگی به مکتب استاد صبا رفت. او سالها بطور افتخاری در رادیو ایران به نوازندگی ویلن پرداخت. بعدها در ارکستر حسن رادمرد به نوازندگی پرداخت و همکاری جدید او پس از شرکت در ارکستر رادمرد، پیوستن به ارکستر گلهای رادیو ایران بود.

سن [Sen]: صحنه به نمایش گذاشتن هنرهای نمایشی نظیر: موسیقی، رقص و تاتر.

سنا (جلال همائی) [Saná]: لطفاً به همائی، جلال نگاه کنید.

سنایی [Sanâyi]: سازی است بادی زیانه دار که از سازی بنام شه نایی فارسی اقتباس شده است.



سنایی یا دونایی

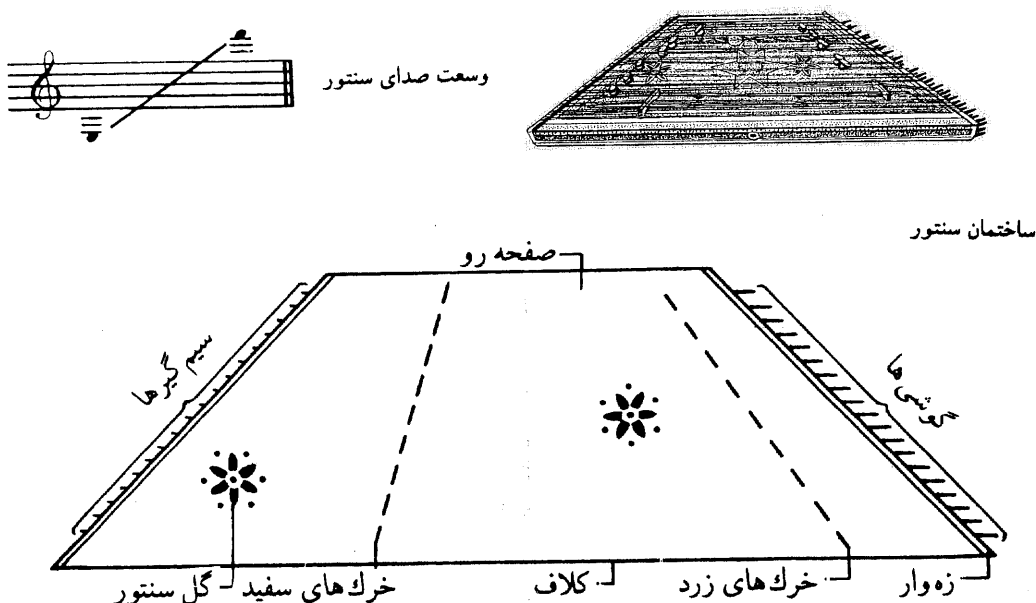
سنائی غزنوی [Sanâyi Qaznavi]: حکیم ابوالمجد بن آدم سنائی شاعر بزرگ سده ششم و از استادان مسلم شعر فارسی است. برخی از محققان معتقد هستند که نام او حسن بوده است. او در اواسط نیمه دهم سده پنجم در غزنین بدنیا آمد. او پس از رشد در شاعری به درگاه غزنویان راه یافت. در ابتداء از مداحی شروع کرد ولی بزودی از این کار دست کشید. در جوانی به شهرهای بلخ و سرخس و هرات و نیشابور رفت. یک سفر به مکه نمود و سپس به غزنین بازگشت (۵۱۸ هجری). سنائی در سال ۵۳۵ هجری در غزنین درگذشت و مقبره او زیارتگاه عموم است. دیوان سنائی شامل ۱۳۳۴۶ بیت است و به غیر از دیوان، چند مثنوی از سنائی باقیمانده است، نظیر کارنامه بلخ، عشق نامه و عقل نامه.

سنبله نهوند [Sonboleaye Nahavand]: از الحان قدیمی موسیقی ایران.

سنت [Sent]: واحدی در اندازه گیری فواصل اصوات برابر با یک صدم نیم پرده معتدل است.

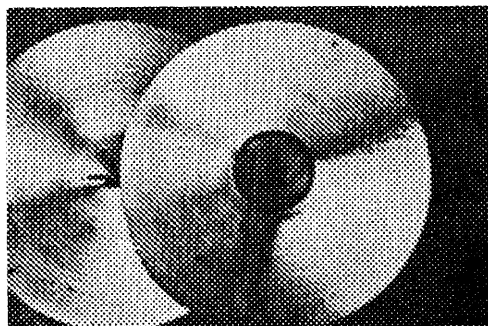
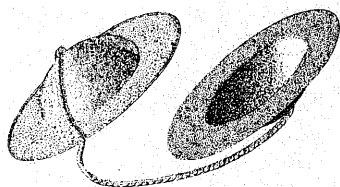
سنتور [Santur]: سنتور یکی از سازهای قدیمی ایران است که بشکل ذوزنقه میباشد. این ساز با دو مضرب چوبی (کوبه) نواخته میشود. سنتور دارای هفتاد و دو سیم از جنس مس زرد رنگ است. ساختمان سنتور از جنس چوب گردو است. سیم های این ساز چهار تا چهارتا از روی پلی بنام خرک میگذرند. ساختن سنتور را به ابونصر فارابی نسبت میدهند. در زمان ساسانیان به سنتور «کنار» می گفتند. در سده ۱۲ میلادی، سنتور ترد قوم یهود «پسانتر» نامیده میشد و به غرب آمد و پسانتریون نام گرفت. ایرانی ها،

بیش از حمله اعراب به ایران، با این ساز آشنائی کامل داشتند و به آن کنار می گفتند.



سنتور خان، محمد حسن [Mohammad Hasan Santur-xân]: از نوازندگان چیره دست و مشهور اوایل سلطنت ناصرالدین شاه و از نوازندگان درباری بود. از شاگردان بنام سنتور خان می توان به محمد صادق خان اشاره داشت.

سَنج [Senj]: از دسته سازهای کوبه ای فلزی است که متشکل از دو قرص فلزی که بر روی هر کدام تسمه ای تعبیه شده است، میباشد. وظیفه سنج، تنظیم ریتم موسیقی است. سنج از سازهای باستانی ایران است.



سنجر کاشانی [Sanjare Kāšāni]: میرمحمد هاشم کاشانی متخلص به سنجر از شاعران معروف سده ده و یازدهم هجری است. او بیشتر دوران شاعری خود را در هند گذراند و در آنجا شهرت و اعتبار بسیار بهم رسانید. تولدش در سال ۹۸۰ هجری در کاشان بود. وقتی پدرش به هند رفت او ۱۹ ساله بود و چهار سال پس از پدر او نیز به هند رفت و نزد جلال الدین اکبر شاه به ارج و قرب رسید. از این شاعر ساقی نامه معروفی در ستایش از شاه عباس باقی مانده است. سنجر کاشانی در ۴۱ سالگی به سال ۱۰۲۱ هجری بعلت بیماری درگذشت.

سنجری، حسین [Hoseyn Sanjari]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان درویش خان، مرتضی نی داود و علی نقی وزیری. حسین سنجری پدر، استاد گرانقدر موزیک ایران، حشمت سنجری است. او به خط نت آشنا بود و همسر او، خواننده مشهور قدیمی روح انگیز (بتول عباسی) است. روح انگیز نامی است که کلنل وزیری روی خانم بتول عباسی گذاشت. حسین سنجری، تحصیلات خود را در مدرسه آمریکائی تهران انجام داد و به مکتب درویش خان رفت و تار را نزد ایشان آموخت. او خط نت را از سلیمان خان افسر موزیک آموخت. از این هنرمند صفحات بسیاری بجا مانده است. استاد حسین سنجری در اسفند ماه ۱۳۲۱ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

سنجری، حشمت [Hešmat Sanjari]: حشمت سنجری در سال ۱۲۹۶ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش، حسین سنجری نوازنده چیره دست تار، از چهار سالگی به او نت خوانی آموخت. حشمت سنجری در کودکی جزو شاگردان مدرسه کلنل وزیری بود و نواختن تار را نزد استاد وزیری آغاز کرد. در کنسرت های کلوپ موزیکال مدرسه، حشمت تنها خواننده قطعات وزیری برای کودکان بود. در آن زمان، آنقدر کوچک بود که روی صحنه بر چهارپایه ای می ایستاد. او نزد استاد ابوالحسن صبا و استاد روح اله خالقی به فراگیری تار پرداخت. حشمت سنجری توسط دائی هایش به دنیای موسیقی کلاسیک غربی نیز پا نهاد. معلمین او، ویلیام دانیل و سرژ خوتسیف بودند. حشمت سنجری در سال ۱۳۲۰ خورشیدی همزمان با تحصیل، به عنوان هنرآموز ویلن در دوره ابتدائی و سپس پس از چندی در دوره متوسطه هنرستان عالی موسیقی به تدریس پرداخت. او از نخستین نوازندگان ایرانی است که همکاری خود را با ارکستر سنفونیک تهران در زمان سرپرستی پرویز محمود آغاز کرد. حشمت سنجری در سال ۱۳۳۳ به رهبری ارکستر سنفونیک تهران رسید. او در سال ۱۳۳۵ به آمریکا رفت و پس از ۶ ماه به ایران مراجعت نموده و مجدداً برای چهار سال عازم وین گردید. در زمان غیبت او رهبری

ارکستر سنفونیک تهران بعهد هایموتویبر بود که با بازگشت حشمت سنجری به ایران، رهبری، مجدداً به او واگذار گردید.

حشمت سنجری تا سال ۱۳۵۶، رهبری ارکستر سنفونیک تهران را بعهد داشت.

سنجری، فرشاد [Farsād Sanjari]: آهنگساز، موسیقیدان و از رهبران ارکستر سنفونیک تهران پس از لوریس چکناوریان و علی رهبری.

سنجری، هوشنگ [Hušang Sanjari]: هوشنگ سنجری، نوازنده چیره دست ویلن سل و استاد هنرستان عالی موسیقی و برادر هنرمند گرانقدر حشمت سنجری است. هوشنگ سنجری سالها عضو ارکستر سنفونیک تهران در گروه ویلن سل بود. همدوره‌ای های هوشنگ سنجری عبارتند از: داود جعفر خانی و زاون ملکوتیان. (سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی).

سنجک [Sanjak]: به هر تازه وارد، به هنرمندان جوان در بندر هرمزگان اطلاق میشود که کار نوازندگی را تازه آغاز کرده اند.

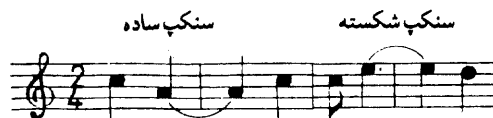
سندی، گروه پاپ موزیک [Gruhe Páp Muzik Sandi]: در سال ۱۹۸۷ در کشور آلمان با گرد همائی چند هنرمند ایرانی این گروه تشکیل شد و با اجرای کنسرتهاى جنبالى و پُرهيجان، طرفداران بسيارى پيدا نمود.

اعضای این گروه که چند سالی است در لس آنجلس فعالیت دارد عبارتند از: شهرام آذر؛ خواننده، آهنگساز، تنظیم کننده و نوازنده کی بورد. شهرام آذر فارغ التحصیل هنرستان عالی موسیقی تهران است. رضا زمینی: در سال ۱۹۸۸ تحصیلات خود را در رشته گیتار و ترومپت در کشور دانمارک به پایان رساند. بهزاد پیشرو: هنرمندی است که فعالیت خود را از ایران و از خوزستان آغاز نموده. در گروه سندی، بهزاد پیشرو به نوازندگی جاز، ضرب، تمپو و سازهای ریتمیک می پردازد.

سنفونی [Sanfoni]: آهنگی است که برای ارکستر بزرگ ساخته میشود و در آن چند نوازنده با یکدیگر قطعه‌ای را می نوازند. قواعد سنفونی نظیر سونات است ولی به جای یک یا دو ساز، تمام ارکستر در اجرای آن شرکت می کنند. سازنده سنفونی برای ارکستر، یک ملودی تنها نمی نویسد، بلکه هر دسته از سازهای ارکستر، آهنگ خاصی را اجرا می کند. سازنده سنفونی بایستی حداقل دوازده آهنگ مختلف بسازد که

تحت قواعد هارمونی، نت به نت با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. اجرای یک سنفونی نیم ساعته نیاز به ۵ یا ۶ سال کار یک آهنگساز دارد.

سنکپ [Sankop]: خطی است منحنی که ضرب ضعیف را به ضرب قوی وصل می کند و بر روی دو نت هم اسم و همصدا قرار میگیرد. سنکپ بر دو نوع است: سنکپ ساده و سنکپ شکسته.



سنگلج، تالار [Täläre-Sangalaj]: تالاری در ضلع جنوبی پارک شهر تهران، محل اجرای تأثر و موسیقی.

سنگل سماع [Sangole Samâw]: در ردیف استاد نورعلی الهی، این آهنگ در دنباله سماعی می آید و یک مقام گردی مهم روی شیخ امیری دارد که شامل انتقالی به اشل قبلی، یک پرده بالا تر میشود.

سنید [Sonid]: نوازنده مشهور عود که ایرانی الاصل بوده و در دربار هارون الرشید، زلز، خواننده آن عصر را همراهی میکرده است.

سواد کوهی، فرهاد [Farhád Savád-Kuhi]: فرهاد سواد کوهی، خواننده ارزنده و صاحب سبک و قدیمی ایران که همراه فریدون فروغی سبکی جدید در ارائه موسیقی ایران عرضه داشتند. فرهاد سالها از همکاری دو هنرمند گرانقدر، شهریار قنبری و اسفندیار منفرد زاده برخوردار بود. از کارهای ارزنده فرهاد میتوان به ترانه هائی چون، وحدت، جمعه ها، شبانه ۱ و ۲، آواز، سقف، گنجشگ اشی مشی، کودکانه، مرد تنها، آینه ها، هفته خاگستری، اسیر، گفتنی ها کم نیست، با صدای بی صدا و تورا دوست دارم اشاره داشت. فرهاد در حال حاضر از بیماری مزمنی در رنج است.

سوار سوار [Savâr Savâr]: موسیقی بیدارباش و خبردار که در بین کردان رایج است.

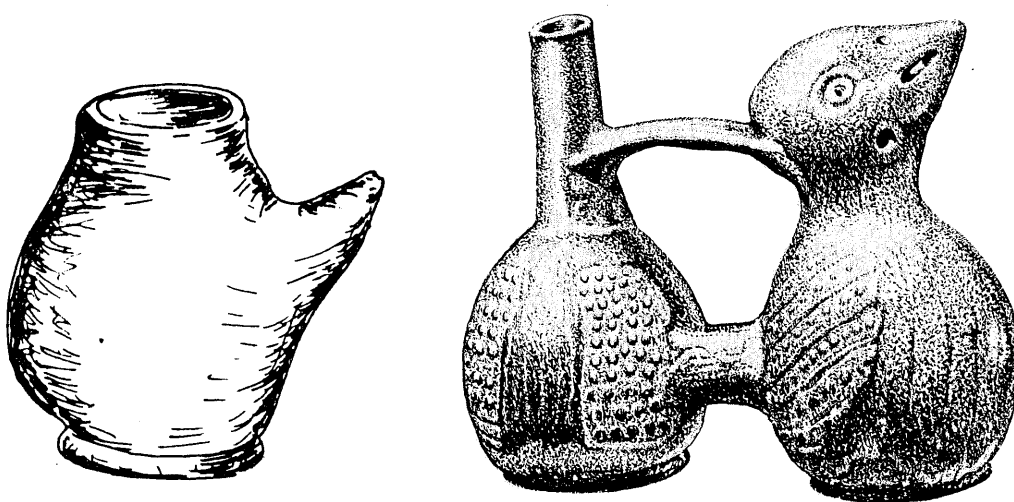
سویگی، نعمت اله [Newmat-ollâh Subigi]: نعمت اله خان سویگی، از نوازندگان و

ضرب‌گیرهای مشهور تهران در عهد قاجاریه است.

سوت [SuT]: سوت علاوه برآنکه با جمع کردن لب‌ها و بیرون راندن هوا به خارج از دهان، با آن اصواتی را می‌سازیم، به سازی اطلاق می‌شود از خانواده نی لبک. طول سوت ۲۶ تا ۲۷ سانتی متر است و در ایران در بین شبانان بسیار رایج است.

سوت [Savat]: از آهنگهای سرحدی بلوچستان که آهنگهای شادی است که با آواز خوانده میشود. محتوای آهنگهای سوت، عاشقانه و درستایش از زیبایی‌های طبیعت است. سوت معمولاً با همراهی تعدادی ساز اجرا میشود. آهنگهای سوت اغلب ریتمیک هستند.

سوتک [Sutak]: سوتک یا سوسوتک سازی است بادی که از سفال، فلز و یا چوب ساخته میشود. صدای این ساز شبیه به صدای پرندگان است. سوتک انواع مختلفی دارد: دودوک، رکورد، اکارینا، بلبلی و فیت فیت.



سودوا [Sodvá]: شرکت تولید صفحه در سال‌های پیش و بعد از ۱۳۱۶ خورشیدی که مرکز آن در سوریه بود و نماینده فروش آن در تهران کمپانی آغاسی در لاله زار بود. تولیدات این شرکت از نظر کیفیت در سطح پائین قرار داشت.

سوران [Surán]: یکی از الحان موسیقی مقامی گذشته، در ترکیبات دوازده مقام.

سوردینو [Sordino]: صداگیر، صدا خفه کن، در بعضی آلات زهی آرشه‌ای یا بادی برنجی و اقسام ویلن تعبیه میشود.

سور زهی، عبدالرحمان [Abdol-Rahmān Sur-zehi]: بنجو نواز سرشناس سراوان بلوچستان.

سورن [Suren]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ که سالهای بسیاری در قلمرو هنر موسیقی ایران به خلق آثار ماندنی پرداخته است. آهنگهای جاودان: بندر، نسیم، کاروان عروسی، خدا نگهدار با صدای ویگن و چلچله، اشاره و کنیز با صدای روان بخش از نمونه کارهای این هنرمند ارزنده است. سورن در نواختن ویلن از تبحر خاصی برخوردار است. سورن در حال حاضر در آمریکا بسر میبرد و آلبوم: رقص گل او مجموعه‌ای از کارهای اوست که بدون کلام میباشد.

سورنای [Surnāy]: سازی است بادی - چوبی و دو زبانه‌ای. سورنای، سازی است که قدمت آن به ۵۰۰۰ سال میرسد. ابتداء مصری‌ها، آشوریها، بابلی‌ها یونانیها، ایرانی‌ها و اعراب و سرانجام چینی‌ها و اروپائیان با آن آشنا شدند. ساختمان سورنای از سه قسمت تشکیل میشود: زبانه، لوله رابط و صفحه مدور دهان گیر و نفیر یا ستون هوا. زبانه این ساز یا قمیش و تراشه آن از نی است.



نوازنده سورنای، جام سبین زرکوب، دوران ساسانی، موزه ایران باستان، تهران

سوری، حسن [Hasan Suri]: لطفاً به کامکار، حسن نگاه کنید.

سوزنی [Suzani]: شمس الدین تاج الشعرا محمد بن علی سوزنی در نخشب سمرقند بدنیا آمد. در ابتدای جوانی برای تحصیل علوم به بخارا رفت. سوزنی معاصر ارسلان خان محمد از پادشاهان آل افراسیاب است (۴۹۵ - ۵۲۴ هجری). سوزنی شاعری بد زبان و هجا پرداز بود.

سوز و گداز [Suz va Godáz]: گوشه ای است در بیات راجع اصفهان.



سوسن [Susan]: خواننده مردمی که از نوجوانی کار خوانندگی را در کاباره ها شروع کرد و در سالهای ۸ - ۱۳۴۷ همزمان با آغاسی به اوج رسید. سوسن در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند. سوسن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی در کافه لقائیه که در میدان بهارستان قرار داشت هنرنمایی می کرد. او بعد ها صاحب کاباره ای بنام لانه کبوتر در سه راه تخت جمشید شد. سوسن در اوج، دست به کارهای انسانی بسیاری زد که نمونه آن ساختن ۵ مدرسه بود. در سال ۱۳۴۲، خوانندگان جدیدی برای یک برنامه مخصوص بخاطر اصلاحات ارضی به رادیو دعوت شدند. این خوانندگان عبارت بودند از: آفت، سوسن، پونه، و گوگوش.

نام اصلی این هنرمند گل اندام طاهر خانی است. سوسن در سوم ماه مه ۲۰۰۴ پس از عمل جراحی روی دستش در لس آنجلس زندگی را بدرود گفت. جسد او را در نورت هالیوود بخاک سپردند. بلند نظری این هنرمند مورد تحسین عموم بود.

سوسن رامشگر [Susane Ramešgar]: از برجسته ترین نوازندگان بربط (عود)، چنگ و نای در بارگاه افراسیاب.

سوسن، کاباره (کافه) [Kābāre Susan]: کافه سوسن مقابل کافه کریستال در لاله زار و محلی برای تجمع کاسب کارها بود.

سوفار [Sufār]: سازی است بادی از رده بوق یا شیپور. سوفار، شیپور باستانی عبری است.

سولیست [Solist]: تک نواز، تک خوان.

سونات [Sonat]: سونات نوعی از ساختن موسیقی است که توسط یک یا دو ساز اجرا میشود. بعبارتی سونات به قطعه موسیقی اطلاق میشود که برای یک یا دو نوازنده ساخته شده است.

سونکیر [Sunkir]: نوازنده چنگ در عهد ایلامی. بدست آمده از کتیبه هانی شاه آيا پیر. روی لباس اولین نوازنده این کتیبه به خط میخی ایلامی نوشته شده: من سونکیر، نوازنده چنگ هستم. (۲۲۴۰ سال پیش از میلاد مسیح)

سونکیر - شو [Sunkir-šhu]: نوازنده فلوت در دوران ایلامی ها (۲۲۴۰ سال پیش از میلاد مسیح).

سونی [Sony]: مؤسسه الکترونیک در ژاپن که تولیدات آن در تمام دنیا منجمله ایران بفروش میرسد. این کمپانی در سال ۱۹۸۳ میلادی همراه با کارخانه فیلیپس مبادرت به تولید CD نمودند.

سوهانکی، ابوالحسن [Abol-Hasan Sohānaki]: از هنرمندان رشته موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی، و همدوره با استاد رضا محجوبی، قمرالملوک وزیری، روح انگیز، سعادتمند قمی، ملوک ضرابی، اصغر بهاری و عبدالله جهان پناه.

سوهانکی، سید حسین [Seyyed Hoseyn Sohānaki]: خواننده خوش صدا و قدیمی سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۲ خورشیدی و از همکاران نزدیک ناصر زراآبادی، مصطفی گرگین زاده و یحیی نیک نواز.

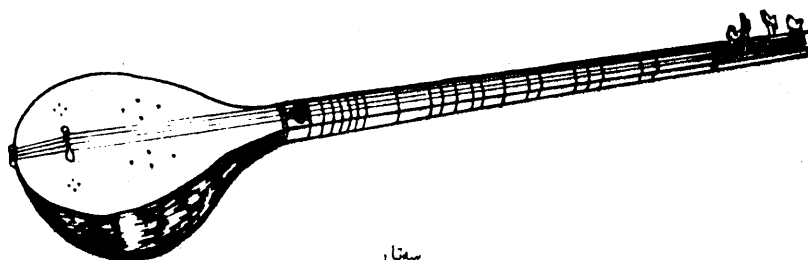
سوهانی، محمد [Mohammad Sohāni]: خواننده مشهور کرمانشاهی و همدوره با حسن زیرک، مرتضی تندرو و جلال همتی. جلال همتی در حال حاضر در کالیفرنیا به فعالیت اشتغال دارد.

سویت [Suit]: از قدیمی ترین فرم های موسیقی غربی. قطعه آهنگین و موزون جهت بیان موسیقی متن یا موضوع خاصی که در بخش های مختلف بین ۲ تا ۱۲ قطعه نوشته میشود.

سهامی، فروغ [Foruq Sahami]: خواننده مشهور دهه ۱۳۲۰ خورشیدی و همدوره با دلکش، روح‌بخش، فاخته‌ای، بنان و ادیب خوانساری. فروغ سهامی اولین خواننده‌ای است که با ارکستر برادران وفادار (حمید و مجید وفادار) همکاری کرد.

سه تار [Setār]: همانطوریکه از نام این ساز بر می آید، سابقاً سه سیم داشته و بعدها یک سیم به آن افزوده می‌گردد. به روایت استاد ابوالحسن صبا، درویشی که یک سیم به سه تار اضافه نموده؛ مشتاق علیشاه است، این هنرمند گرانقدر به فتوای مجتهد کرمان بجرم ساز زدن، محارب با خدا شناخته شده و سنگسار شد. بعضی‌ها به سیم چهار، سیم زنگ یا سیم مشتاق می‌گویند. سه تار، ساز تغیز شکل یافته‌ای است از تنبور که بسیار ظریف و سبک و خوش صدا است. جنس سیم‌های سه تار؛ دوتای آن از جنس آهن و دو سیم دیگر از جنس مس زرد رنگ است. اندازه‌های اجزاء سه تار بقرار زیر است:

عرض کاسه ۱۵ سانتی متر، طول کاسه طنینی ۲۲ سانتی متر و ارتفاع آن ۱۱ سانتی متر است. طول دسته ساز تا شیطانک ۵۰ سانتی متر و محل قرار گرفتن گوشی‌ها ۱۰ سانتی متر و عرض دسته ۳ سانتی متر است.



سه چهارم [Se-cahárom]: از تقسیمات میزانی در موسیقی است، یعنی سه سیاه در هر میزان.

سه دانگ [Se-dàng]: سیم سوم عود را می‌گفتند.

سه دوم [Se-dowom]: در موسیقی یکی از تقسیمات است، یعنی سه سفید در هر میزان

سهراب، دکتر خسرو [Doktor Xosro Sohráb]: دکتر خسرو سهراب، پزشک و نوازنده ویلن در اصفهان بدنیا آمده و از سن ۱۷ سالگی به فراگیری ویلن نزد استادان فن در آن شهر اهتمام گزیده است. او ویلن کلاسیک و ویلن کلاسیک ایرانی را توأم با یادگیری دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایران پایان رسانید. در تمام دوران تحصیلی تا اخذ مدرک دکترای پزشکی و دوره تخصصی به فعالیت‌های خود ادامه

داده و اینک با تهیه آثار گذشتگان و جمع آوری برنامه های گلهای رادیو ایران گامی بزرگ در جهت حفظ این آثار گران بها، یادگار استاد داود پیرنیا از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۰ خورشیدی برداشته و بر می دارد. دکتر خسرو سهراب سال ها با استاد نصیر ثقفی در زمینه موسیقی ایرانی همکاری داشته اند. این پزشک و هنرمند گرانقدر در حال حاضر در جنوب ایالت کالیفرنیا زندگی می کند.

سهراب زاده، محمد قلی [Mommad-goli Sohráb-zâde]: نوازنده زیردست ویلن که به تمامی گوشه های موسیقی ایران تسلط کامل داشت. زنده یاد سهراب زاده در سال ۱۲۷۶ خورشیدی بدنیا آمد. او در نوجوانی ویلن را نزد خود و با استفاده از صفحات موسیقی آن روز آموخت. بعدها به مدرسه سن لوئی رفت و با زنده یاد رضا محجوبی آشنا شد.

سهراب زاده در سال ۱۲۹۷ خورشیدی به استخدام وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه درآمد و در آنجا با زنده یاد عنایت اله شیبانی نوازنده تار و سه تار و زنده یاد شهباز برمکی نوازنده تار و ویلن آشنا شد. این هنرمند گرانقدر، سه سال نزد حسین خان اسماعیل زاده به فراگرفتن ردیف ها و گوشه های موسیقی ایرانی پرداخت.

سهراب زاده در ۱۸ تیر ماه ۱۳۱۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست و مقبره او در امامزاده عبدالله شهر ری است.

سهراب، علی [Ali Sohráb]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او کار مشترکی بنام آلبوم: پرواز با مانی رهنما در دست می باشد. آهنگهای این آلبوم را هنرمند گرانقدر بابک بیات ساخته است.

سه رود [Se-rud]: به سه تار و تنبور اطلاق میشود.

سه گاه [Se-gâh]: سه گاه آوازی است بی نهایت محزون و جانسوز. سه گاه مجموعه ای است از ناله و آه. این دستگاه برای بیان احساس غم و اندوه مناسب است.

دستگاه سه گاه به روایت زنده یاد میرزا عبدالله عبارتست از:

- ۱- چهار مضراب ۲- درآمد ۳- نغمه ۴- کرشمه با مویه ۵- زنگ شتر ۶- زابل ۷- بسته نگار ۸- مویه ۹- مخالف ۱۰- حاجی حسنی ۱۱- بسته نگار ۱۲- مغلوب ۱۳- نغمه مغلوب ۱۴- حزین ۱۵- مویه ۱۶- ژهاب ۱۷- مسیحی ۱۸- شاه خطائی ۱۹- تخت طاقدیس ۲۰- رنگ دلگشا.

سه گاه، نام پرده‌ای در موسیقی قدیم و از جمله یکی از بیست و چهار شعبه موسیقی بوده است.

سه گاه



سه لا چنگ [Se-lā-cang]: به یک سی و دوم ($\frac{1}{32}$) واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت نت (اگر واحد، گرد فرض شود) اطلاق میشود.

سه مضراب [Se-mezrāb]: شکلی است ضربی که در درآمد یا گوشه های ردیف میتوان نواخت. پایه مشخص سه مضراب، از نواختن، سه مضراب پی در پی در سیم های بم و زیر (در سازهای مضربی) بوجود می آید.

سه مضراب (صبا)



سهند، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Sahand]: این گروه موسیقی با سرپرستی رشید وطن دوست در آذربایجان از فعالیت بسیار خوبی برخوردار است.

سه هشتم [Se-haštom]: ($\frac{3}{8}$) از تقسیمات میزان در موسیقی است، یعنی سه چنگ در هر میزان.

سهیل [Soheyli]: خواننده قدیمی پیش از انقلاب و همدوره با اکی بنائی، فرهی، ناصر و زنده یاد مازیار. از سهیل ترانه ماندگار: نمک زندگی در دسترس می باشد.

سهیلیان، دکتر ابوالفضل [Doktor Abol-Fazl Soheylyán]: استاد و نوازنده مشهور ویلن در هنرستان موسیقی اصفهان در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی. دکتر سهیلیان سالها با ارکستر موسیقی اصیل ایرانی که در سال ۱۳۴۸ بنا به پیشنهاد رئیس وقت دانشگاه اصفهان تشکیل شده همکاری داشت.

سهیلی، مهدی [Mehdi Soheyli]: زنده یاد مهدی سهیلی شاعر، ترانه سرا، فیلم نامه نویس مشهور معاصر است که برنامه مشاعره او سالها از رادیو ایران پخش میشد.

مهدی سهیلی برای خوانندگان زیادی، ترانه سروده است. او همدوره با شعرای معروفی چون مشفق کاشانی و جواهری وجدی است. مهدی سهیلی در نوشتن قطعات فکاهی و نمایشنامه نیز مهارت بسزائی داشت. از نویسندگان و هنرمندان همدوره مهدی سهیلی میتوان به حسین مدنی، پرویز خطیبی، دکتر جمشید وحیدی، ابوالقاسم حالت و کریم فکور اشاره داشت.

سی [Si]: یکی از هفت نت موسیقی که در نت نویسی آمریکایی - انگلیسی و آلمانی آنرا با حرف B نشان میدهند.



سیاچمانه [Siācamāne]: آواز سیاچمانه، نظیر آواز «هوره» از انواع بسیار قدیمی و باستانی موسیقی کرمانشاهان است. سیاچمانه، بیشتر در منطقه پاوه و اورامانات مرسوم است شعرهای آن، همگی به لهجه اورامی هستند.

سیاچمانه، به معنی سیاه چشمان است و در میان مردم اورامان به عنوان اصیل ترین و زیباترین نغمه اورامی متداول است.

در سیاچمانه، تحریرهایی شبیه به صدای کبک شنیده میشود. بعضی ها، نغمه سیاچمانه را، باقیمانده نغمه اورامان باربد، از عهد ساسانیان میدانند. سیاچمانه، آهنگی است غم انگیز که با ظهور تصوف و رواج طریقه نقشبندیه در اورامان و جوان رود جنبه عرفانی یافت.

سیادت، مهدی [Mehdi Syadat]: مهدی سیادت در آذر ماه سال ۱۳۵۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در کلاس چهارم دبستان (۱۳۶۲) به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران رفت. او در ابتداء تحت نظر خانم رویا حلاج شروع بفرآگیری سنتور نمود. بعدها در سال ۱۳۶۶ در مکتب استاد فرامرز پایور پذیرفته شد. مهدی سیادت در حال حاضر یکی از نوازندگان جوان سنتور بشمار میرود.

سیاسی، دکتر محمد [Doktor Mohammad Syási]: از شعرا و غزل سرایان معاصر ایران.

سیامک [Syamak]: خواننده جوان ساکن کالیفرنیا با آلبوم: زورق عشق شامل ۶ ترانه؛ حافظ، گلپری، یار، گل سرخ، زورق عشق و حسرت.

سی اند جی [C & G]: شرکت تولید و تکثیر و پخش نوار و CD موسیقی ایرانی که در نورتریج (لس آنجلس) کالیفرنیا به فعالیت مشغول است.

سیاوش [Siyavoš]: از خوانندگان جوان و موفق در خارج از کشور که ترانه و آهنگ هائی را که اجرا می کند از سروده و ساخته های خودش می باشد. سیاوش در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند.

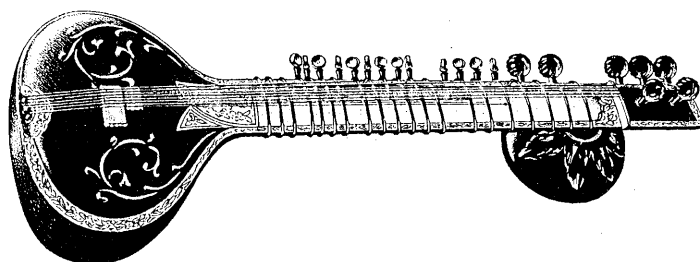
سیاوش خان، [Siyavoš-xān]: نوازنده ویلن در زمان مظفرالدین شاه و برادر ناصر همایون است که بعدها موسیقی را کنار گذاشت و به تجارت مشغول شد.

سیاه [Siyāh]: به یک چهارم ($\frac{1}{4}$) واحد موسیقی از نظر کشش و یا سکوت یک نت (اگر واحد، گرد فرض شود) اطلاق میشود.

سی بُمل [Si bemol]: معرف نت سی در موقعیتی که نیم پرده از آن کسر شده است میباشد. نام دیگر آن لادیز است.

سی بُمل ماژور [Si bemole Māzor]: گام سی بزرگ که در آن کلیه نت ها به غیر از سی و می، بکار هستند.

سیتار [Sitār]: سازی است رشته ای مطلق و از خانواده چنگ. منشاء سیتار از آسیا است. شکل ظاهری این ساز در طول سالیان دراز، دگرگونی یافته و در نقاط مختلف، نامهای گوناگون گرفته است.



سیحون، ضیاء [Zyāw Seyhun]: استاد تعلیم موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۵ خورشیدی که در تهران فعالیت داشتند. ساز تخصصی ضیاء سیحون، ویلن بود.

سیحون، هوشنگ [Houšang Seyhun]: مهندس هوشنگ سیحون، ارشیتکت برجسته ایرانی در نسی و یک مرداد ۱۲۹۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او نوه دختری، موسیقیدان بزرگ ایران؛ آقا میرزا عبدالله است. مهندس هوشنگ سیحون، استاد برجسته رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که در کنار هنر ارشیتکتی، در نواختن پیانو نیز مهارت بسزائی دارد. در زمان تصدی او در پست ریاست دانشکده هنرهای زیبا، به ابتکار ایشان، رشته عالی موزیکولوژی با هدف تربیت دانشمند در رشته موسیقی، نه نوازنده بوجود آمد.

از مهندس سیحون در زمینه ساخت مقبره بزرگان و مفاخر ادب ایران از جمله: فردوسی، خیام، بوعلی سینا، کمالالملک و نادر شاه افشار بناهای ارزنده‌ای بجا مانده است طرح جالب ساختمان جدید مقبره بوعلی سینا، براساس گام موسیقی این دانشمند بزرگ با وقوع انقلاب ۵۷ بمرحله تحقق نرسید. استاد هوشنگ سیحون، پسر خاله هنرمند ارزشمند ایران جمشید شبیانی است. استاد سیحون در حال حاضر در ونکوور کانادا زندگی می‌کند.

سیخی [Sayaxi]: گوشه ای است در آواز ابو عطا.



سید احمد [Seyyed Ahmad]: نوازنده تار که در جهت مرتب و منظم کردن موسیقی با میرزا عبدالله همکاری داشته است.

سید احمد خان [Seyyed Ahmad-xān]: خواننده مشهور زمان قاجاریه که همراه اسداله خان نوازنده تار، باقرخان رامشگر، نوازنده کمانچه و محمد باقر ضرب گیر برای پُر کردن صفحه به پاریس رفت.

سید اسماعیلی، عباس [Abbās Seyyed Esmāwili]: صنعتگر مشهور در امر ساخت سازهای اصیل ایرانی که در تهران فعالیت دارد.

سید اشرف الدین قزوینی [Seyyed Ašraf-eddin Gazvini]: معروف به گیلانی شاعر طنزپرداز و مؤسس روزنامه ادبی و فکاهی؛ نسیم شمال در شهر رشت است. این شاعر در سال ۱۲۸۷ هجری در قزوین بدنیا آمده است. مندرجات نسیم شمال، غالباً اشعار فکاهی و انتقادی بود. او محبوب ترین و معروف ترین شاعر ملی عهد انقلاب مشروطیت است.

سید جلال [Seyyed Jalāl]: سازنده توانای تار و سه تار که سازهای دست ساز او بسیار معروف است.

سید حبیب اله تفرشی (ملک الواعظین) [Seyyed Habib-ollāh Tafreši]: از تعزیه خوانهای معروف دوره قاجاریه.

سید حبیب اله چاله حصاری [Seyyed Habib-ollāh Cale-hesāri]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجاریه

سید حسن شبیه [Seyyed Hasan Šabih]: از تعزیه خوانهای مشهور دوره قاجاریه

سید حسن غزنوی [Seyyed Hasan Gaznavi]: اشرف الدین محمد حسینی غزنوی مشهور به اشرف از شاعران بزرگ اواسط سده ششم هجری است. دیوان شعر این شاعر به سعی آقای مدرس رضوی استاد دانشگاه چاپ شده است. سال وفات او ۵۵۶ هجری بوده است.

سید حسین [Seyyed Hoseyn]: از خوانندگان مشهور عهد قاجاریه و همدوره با رضا قلی خان و طاهرزاده. از این خواننده صفحاتی ۲۵ سانتی متری بجا مانده است.

سی دیز [Si Diyez]: معرف نت سی با افزودن نیم پرده کروماتیک با علامت (S1#) میباشد.

سید ذوالفقار [Seyyed Zolfaqar]: ملک الشعرا سید قوام الدین شیروانی، متخلص به ذوالفقار از شاعران معروف ایران در سده هفتم هجری است. این شاعر در عهد سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه ظهور نموده است. دیوان این شاعر بالغ بر نه هزار بیت است. این شاعر در سال ۶۷۹ هجری چشم از جهان فرو بست.

سید رحیم [Seyyed Rahim]: استاد مسلم آواز در اصفهان و همدوره با میرزا حسین ساعت ساز (خضوعی) و حبیب شاطر حاجی. سید رحیم بمدت دو سال به آموزش زنده یاد ادیب خوانساری مشغول بود. زمان فعالیت سید رحیم در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۰ خورشیدی بود.

سید رضی خان [Seyyed Razi-xân]: دکتر سید رضی خان از هنرمندان سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۶ خورشیدی که به اتفاق همسرش خانم اخترالسلطنه که سه تار می نواخت و ضرب میزد، روح انگیز، خواننده مشهور قدیمی را کشف و او را جهت تعلیم به استاد حسین سنجری معرفی نمودند.

سید زین العابدین قراب کاشی [Seyyed Zin-ol-âbedin Gorâb Kâsi]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجاریه.

سید عباس معاون [Seyyed Abbâs Mowâven]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجاریه.

سید عبدالباقی بختیاری [Seyyed Abdolbâqi Baxtyâri]: از تعزیه خوانهای معروف دوره قاجاریه.

سید عزیزاله [Seyyed Aziz-ollâh]: (ملک الذاکرین) از تعزیه خوانهای مشهور دوره قاجاریه.

سید عَظُد [Seyyed Azod]: سید عَظُد یزدی متخلص به عَظُد از شاعران سده هفت و هشت هجری است. این شاعر در اواخر عهد ایلخانی در فارس میزیسته است و بعد به موطن اصلی خود یزد باز میگردد. غزلهای این شاعر بسیار لطیف و مطبوع است.

سید کریم [Seyyed Karim]: کم‌دین مشهور و فعال که از صدای خوبی برخوردار است. سید کریم در حال حاضر در لس آنجلس - کالیفرنیا زندگی می‌کند. این کم‌دین، ۲۷ سال پیش توسط گوگوش در کاباره باکارا معرفی شد.

سید گلستانه [Seyyed Golestāne]: نوازنده چیره دست و یلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی در تهران که به تدریس خصوصی ویلن اشتغال داشت.

سید محمد (سراج‌الذاکرین) [Seyyed Mohammad]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجار.

سید محمد رضا بدیع [Seyyed Mohammad Rezā Badiw]: (بدیع المتکلمین کاشی) از تعزیه خوانهای مشهور زمان قاجاریه و پدر استاد جواد بدیع زاده است.

سید محمود واعظی [Seyyed Mahmud Vāwezi]: از تعزیه خوانهای معروف عهد قاجاریه

سید هاشم [Seyyed Hāsem]: نوازنده چیره دست تنبور در کرمانشاه که سمت معلمی به علی اکبر مرادی، نوازنده مشهور تنبور دارد.

سیر، بهرام [Bahrām Siar]: خواننده مشهور قدیمی و همدوره با قاسم جبلی، فرح پناهی، ادیب خوانساری و سعادت‌مند قمی.

بهرام سیر در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. در چهار سالگی به تهران آمد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس عسجدی، قریب و اقدسیه به پایان رسانید. اولین مشوق او، حسینی، هنرآموز هنرستان عالی موسیقی بود که بعدها سمت استادی او را یافت. بهرام سیر، در رادیو با استادهایی چون: مهدی خالدی، علی تجویدی، عباس شاپوری، مهندس همایون خرم، شاپور نیاکان و ... همکاری نزدیکی داشت. بهرام سیر با ترانه های زیر به اوج رسید: ابرگریان، از مهدی خالدی، سوز ساز، از علی تجویدی، صحرا، از مهندس همایون خرم. میروی چرا، از شاپور نیاکان و ترا به خدا بیابیا، از عباس شاپوری، بهرام سیر جمعاً ۶۵ آهنگ اجرا کرد.

سیرن [Siren]: وسیله ای برای تعیین فرکانس صوت مجهول و فواصل موسیقی.

سیروس [Sirus]: ترانه سرای فعال که در کالیفرنیا با هنرمندان خارج از کشور همکاری دارد. از نمونه کارهای سیروس میتوان به ترانه های، چشمهای بی خواب، سفر کرده و بهار گل با صدای خواننده جوان ساشا اشاره داشت.

سیروس، اسداله [Asad-ollāh Sirus]: نوازنده چیره دست ضرب در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی و از همکاران نزدیک حسن آریائی نژاد نوازنده زبردست فلوت.

سیسم [Sisom]: از مقامات موسیقی قدیم ایران پیش از حمله اعراب و از الحان و نغمات بهرام پنجم ساسانی.

سیف اسفرنگی [Seyf Asfrangi]: مولانا سیف الدین از اهالی سفرنگ ماوراءالنهر بود. لذا او را سیف اسفرنگی گویند. او در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم رفت و تا عهد سلطان محمد خوارزمشاه در بارگاه آنها ماند.

سیف الدین باخرزی [Seyf-eddin Bāxarzi]: از شاعران اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم است. این شاعر در نظم و نثر فارسی صاحب اثر بوده، رساله ای فارسی در معنی عشق و اشعاری از او باقیمانده است. سال وفات او ۶۲۹ هجری بوده است.

سیف الذاکرین تبریزی [Seyf-olzakarin Tabrizi]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجار. دو فرزند او مجد و ناصر نیز از خوانندگان معروف آن زمان بودند.

سیف الهی [Seyf-ollāhi]: ترانه سرای معاصر و فعال که در لس آنجلس با هنرمندان ساکن این شهر همکاری می کند. از نمونه سروده های او میتوان به ترانه: میخوام برم با صدای شهید میتوان اشاره داشت.

سیف الهی، شهرام [Šahrām Seyf-ollāhi]: نوازنده زبردست سنتور و از شاگردان ممتاز استاد فرامرز پایور.

سیف، عزیز [Seyf Aziz]: نوازنده چیره دست تار در بروجرд لرستان. و همدوره با منوچهر ناصری، سعید باعزم و مرتضی اثنی عشری.

سیف فرغانی [Seyf Farqāni]: مولانا سیف الدین فرغانی از شاعران بزرگ سده هفتم و هشتم هجری است. این شاعر گرانقدر مدح پادشاهی را نگفت و در گمنامی در یکی از خانقاه های شهر کوچک «آق سرا» درگذشت. آق سرا شهری است در ترکیه، در جنوب شرقی دریاچه «توزگول». سیف فرغانی، نظیر بسیاری از بزرگان علم و ادب ایران بسبب حمله مغول و تاتار، ایران را ترک گفت و به ترکیه رفت. در قصیده سیف فرغانی به نکات زیر اشاره شده است: به قرآن نحس که برای ویرانی جهان آمده، افتادن ولایت بدست مردم بی عقل مذهبی، در آمدن ملک آدمیان در اختیار شیاطین. سیف فرغانی از معاصران سعدی بوده و با وی مکاتبه و مشاعره داشته است. دیوان سیف، اینک در دانشگاه استانبول نگهداری میشود. مجموع اشعار او بالغ بر دوازده هزار بیت است. سال وفات این شاعر گرانقدر ۷۴۹ هجری بوده است.

سیف، ناصر [Nāser Seyf]: از خوانندگان قدیمی که سمت استادی به هنرمند توانای ایران؛ زنده یاد غلامحسین بنان را دارد. استاد بنان آموزش آواز را ابتداء نزد ضیاءالذاکرین رسائی و سپس نزد ناصر سیف دیدند. ناصر سیف، فرزند سیف الذاکرین تبریزی است.

سیف، مجد [Majd Seyf]: از خوش آوازان قدیمی و فرزند سیف الذاکرین تبریزی که اهل منبر بود و به ردیف های موسیقی ایرانی آشنائی داشت.

سیفی [Seyfi]: علی ابن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمه دوم سده ششم هجری است که در نثر و نظم استاد بوده است. کتاب صد نامه عاشقانه او بسیار مشهور است. او مداح سلطان تکش بوده است (۵۶۸ - ۵۹۸ هجری).

سیلووت، گروه [Grohe Siluet]: گروه موزیک پاپ متشکل از خانم ها: شراره خاوری، مهرانا و شهرزاد سپانلو و آقایان شهبال شب پره و فرزین فرهادی. سیلووت اولین گروه خوانندگان زن در تاریخ موسیقی ایران است. این گروه چندی پیش از هم پاشیده شد و هر کدام از هنرمندان آن به تنهایی فعالیت دارند.

سیم [Sim]: رشته، وتر در آلات زهی. در موسیقی قدیم واژه های دیگر نظیر: رود، زه، وتر، رشته و تار استفاده می شده است. قطر یکسان در طول سیم ها، از امتیازات با زر سیم است.

سی ماژور [Si Māzor]: گام بزرگ سی که در آن همه نت ها به غیر از نت سی و می، دیز هستند.

سیمبال [Simbāl]: از آلات کوبه ای که به فارسی به آن سنج میگویند. لطفاً به سنج نگاه کنید.

سیم زرد [Sime Zard]: در موسیقی ایرانی، برای ایجاد صداهای بم از سیم زرد استفاده می کنند، که قطر آن با توجه به نوع آن و صدای اصلی سیم متغیر است.

سیم گیر [Sim-gir]: قطعه کوچک چوب یا فلز در سازها که یک سر ثابت سیم و یا تارها به آن بسته میشود.

سینا [Sinā]: ترانه سرا و خواننده جوانی که در آمریکا فعالیت دارد. از نمونه کارهای او میتوان به آلبوم: اگر تو با صدای سامان و آلبوم خود او بنام: آدمک برفی اشاره داشت. او از همکاران رادیو 670 AM لس آنجلس در قسمت ضبط و پخش صدا میباشد.

سینا، تاتر [Teàtre Sinā]: واقع در چهارراه گمرگ امیریه با مدیریت منوچهر پورزند که مکانی برای عرضه هنر نمایش و موسیقی بود.

سینای اصفهانی [Sinaye Esfehāni]: (مصطفی قلی) از شعرا و غزل سرایان معاصر ایران.

سینائی، خسرو [Xosro Sināwi]: کارگردان، گوینده، بازیگر، نویسنده و آهنگساز مشهور ایرانی که از صدای بسیار زیبایی بهره مند است، در ۲۹ دیماه ۱۳۱۹ خورشیدی در ساری بدنیا آمد. خسرو سینائی در زمینه ساخت موزیک متن فیلم، فیلم هیولای درون را که خود فیلم نامه آنرا نوشته و کارگردانی کرده است، با شرکت داود رشیدی، شهلا میربختیار و اسماعیل محمدی در کارنامه هنری خود دارد. این فیلم و موزیک آن در سال ۱۳۶۲ خورشیدی ساخته شده. سریال تلویزیونی خانه سبز نیز از کارهای درخشان این هنرمند گرانقدر است.

خسرو سینائی فارغ التحصیل آکادمی موسیقی و هنرهای نمایشی وین در رشته کارگردانی و فیلم نامه نویسی و کنسرواتور وین در رشته تئوری موسیقی میباشد.

سینکی، منصور [Mansur Sinaki]: منصور سینکی در سال ۱۳۳۳ در تهران بدنیا آمد. در دوران تحصیل ابتدائی وارد هنرستان موسیقی ملی شد و از این هنرستان لیسانس موسیقی دریافت کرد. اولین معلم او، استاد هوشنگ ظریف بود. از دیگر استاد هائی که به او مشق موسیقی داده اند؛ استاد علی اکبر شهنازی و استاد محمود کریمی است. ساز تخصصی منصور سینکی تار است.

سیوا [Sivá]: خواننده ساکن کالیفرنیا که از او ترانه: همش می خواد برقصه و آلبوم: رقص بارون مجموعه ای از آهنگهای شاد در دسترس میباشد.

سیوار [Sivár]: در یک متن پهلوی مربوط به عصر ساسانی موسوم به «خسرو قبادان و غلامش، سیوار، در کنار نام چند ساز آمده است. لذا سیوار باید نام سازی باشد نه لحنی.

سیوارتیر [Sivár Tir]: یکی از الحان موسیقی در دوره ساسانیان.

سیه نای [Siyah Nây]: سازی است بادی چوبی که به آن قره نی یا نای سیاه نیز میگویند. سیه نای، سازی است قدیمی.